



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوات  
والتسلیمات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

پند و اندرز

آنچه پسران جوان باید بدانند

# پسران دین‌ها و مشایخ

موسسه فرهنگی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پسران، درسها و هشدارها

نویسنده:

محمود اکبری

ناشر چاپی:

گلستان ادب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۱۱	..... پسران، درسها و هشدارها
۱۱	..... مشخصات کتاب
۱۱	..... پیشگفتار
۱۱	..... بخش نخست : دانستیها و پندها
۱۱	..... اشاره
۱۲	..... دورنمای زندگی
۱۲	..... جوان تنهاست
۱۳	..... نقش پاکی جوان
۱۳	..... آینه صاف
۱۳	..... جوان و استعداد
۱۴	..... جوانها و جمله ها
۱۵	..... از کدامین راه
۱۵	..... بایدها
۱۵	..... سراب
۱۶	..... دروغ در رشته های گونا گون
۱۶	..... گزیده ها
۱۷	..... آدمها و کتا بها
۱۷	..... توپ گناه و دروازه دل
۱۸	..... برد و باخت
۱۸	..... زندگی و فوتبال
۱۸	..... احتلام پسران
۱۹	..... فرصت جوانی

- عشق جوانی ..... ۱۹
- منشأعشق ..... ۱۹
- مهارت‌های زندگی ..... ۱۹
- گام‌هایی برای موفقیت ..... ۲۰
- بوسه بر دست پدر ..... ۲۱
- قیمت انسان ..... ۲۱
- نو و کهنه ..... ۲۱
- پند پدر ..... ۲۱
- جوان ..... ۲۲
- پندهای شاعران ..... ۲۲
- بخش دوم : درسها ..... ۲۲
- جایگاه نگاه ..... ۲۲
- اقسام نگاه ..... ۲۲
- انعکاس نگاه های آلوده ..... ۲۳
- ۱- حرکت بر روی لبه تیغ ..... ۲۳
- ۲- تیرهای زهرآگین ..... ۲۳
- ۳- آزدگی روانی ..... ۲۳
- ۴- افسردگی ..... ۲۴
- مردی و مردانگی ..... ۲۴
- نشانه های جوانمردی ..... ۲۴
- اشاره ..... ۲۴
- ۱- عفو و گذشت ..... ۲۵
- ۲- بخشش بدون سؤال ..... ۲۵
- ۳- پاسخ بدی به نیکی ..... ۲۵

- ۴- فریاد رسی ..... ۲۵
- جوانان و آزادی ..... ۲۵
- خلاقیت ..... ۲۶
- رسم رفاقت ..... ۲۶
- اشاره ..... ۲۶
- ۱- پایداری بر تداوم رفاقت ..... ۲۶
- ۲- ابراز محبت به دوست ..... ۲۶
- ۳- گشاده رویی ..... ۲۶
- ۴- دستگیری ..... ۲۷
- ۵- دوری از ستیزه جویی ..... ۲۷
- ۶- نیک خواهی ..... ۲۷
- ۷- آراستگی ..... ۲۷
- ۸- پرهیز از شوخی زیاد ..... ۲۷
- دوستی های نابجا ..... ۲۷
- اشاره ..... ۲۷
- ۱- دوستی با افراد بی وفا ..... ۲۷
- ۲- دوستی با افراد دروغگو ..... ۲۸
- ۳- دوستی با افراد عیب جو ..... ۲۸
- ۴- دوستی با نادان ..... ۲۸
- ۵- دوستی با افراد متملق ..... ۲۸
- ۶- دوستی با بدان ..... ۲۸
- ۷- دوستی با گناهکار ..... ۲۸
- ۸- دوستی با افراد بدنام ..... ۲۸
- ۹- دوستی با افراد پست ..... ۲۸

- ۲۹ ..... کنترل شهوت
- ۲۹ ..... سنجیده عمل کردن
- ۲۹ ..... از یأس و نومیدی بپرهیزید
- ۲۹ ..... نمک شناس باشید
- ۳۰ ..... اسرار خود را به دیگران نگویید
- ۳۰ ..... منفی باف نباشید
- ۳۰ ..... سعی کنید امروztان از دیروز بهتر باشد
- ۳۱ ..... آیا در زندگی هدف مشخص دارید؟
- ۳۱ ..... از پرحرفی بپرهیزید
- ۳۱ ..... فرصتها را از دست ندهید
- ۳۱ ..... از پرخوری بپرهیزید
- ۳۱ ..... نصیحت پذیر باشید
- ۳۲ ..... پشتکار داشته باشید
- ۳۲ ..... از دیگران بی نیاز باشید
- ۳۲ ..... آبروی مردم را حفظ کنید
- ۳۳ ..... تا آنجا که می توانید خود را بدهکار نکنید
- ۳۳ ..... با افراد مورد اتهام ننشینید
- ۳۳ ..... تنبلی را کنار بگذارید
- ۳۳ ..... بزرگسالان خود را محترم بشمارید
- ۳۴ ..... مبدا مردم از زبانتان بترسند
- ۳۴ ..... روزی چند آیه قرآن بخوانید
- ۳۴ ..... مبدا تارک الصلوة باشید
- ۳۴ ..... باکسی قهر نکنید
- ۳۵ ..... هر لحظه رنگ عوض نکنید



- ۳۵ ..... به همه اظهار دوستی‌ها اعتماد نکنید
- ۳۵ ..... هرگز برای دیگران چاه نکنید
- ۳۵ ..... تندی با مادر!
- ۳۶ ..... هشدار به جوان
- ۳۶ ..... اراده
- ۳۶ ..... اشاره
- ۳۶ ..... اراده چیست
- ۳۶ ..... نشانه‌های سستی اراده
- ۳۶ ..... الف: تسویف
- ۳۶ ..... ب: دهن بینی
- ۳۶ ..... راههای تقویت اراده
- ۳۸ ..... بخش سوم: سفارشها
- ۳۸ ..... سفارشهای معصومان
- ۳۸ ..... گزیده‌ای از نصایح لقمان در قرآن
- ۳۹ ..... سفارش آیه الله قاضی (شهید محراب)
- ۳۹ ..... سفارش امام خمینی به فرزندش
- ۴۰ ..... پیام رهبر معظم انقلاب به جوانان
- ۴۱ ..... سفارش شهید مطهری به فرزندش
- ۴۱ ..... پسرم خودت را محترم بدار
- ۴۱ ..... پندعطار
- ۴۱ ..... نصیحت سعدی به جوانان
- ۴۱ ..... پیام پیران به جوانان
- ۴۲ ..... از سفارشهای شهدا به جوانان
- ۴۲ ..... پیام‌های جوانان دربند

- ۴۳ ..... از پیامهای کرکسهای سیاه
- ۴۳ ..... بخش چهارم: معیارهای زندگی
- ۴۳ ..... معیار بزرگی
- ۴۴ ..... معیارهای انتخاب دوست
- ۴۵ ..... به چه کسی می توان اعتماد کرد
- ۴۵ ..... معیار انتقاد سازنده
- ۴۵ ..... معیار پذیرفتن خبر
- ۴۶ ..... معیار خواسته ها
- ۴۷ ..... معیار خودی و غیر خودی
- ۴۷ ..... معیار زشتی کارها
- ۴۷ ..... راههای شناخت افراد
- ۴۸ ..... معیار رفتارها
- ۴۹ ..... رضایت مردم یا خدا؟
- ۴۹ ..... معیار شناخت حق و باطل
- ۵۰ ..... معیار شغل
- ۵۱ ..... معیار شخصیت انسان
- ۵۱ ..... میزان خوبی و شایستگی
- ۵۲ ..... توجه به گفتار یا گوینده
- ۵۲ ..... معیار قهرمانی
- ۵۲ ..... معیارهای موسیقی حرام
- ۵۳ ..... موسیقی سنتی و غیر سنتی
- ۵۳ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## پسران، درسها و هشدارها

### مشخصات کتاب

سرشناسه: اکبری محمود، ۱۳۳۷ - عنوان و نام پدیدآور: پسران درسها و هشدارها: درسها، پندها، گزیده‌ها، هشدارها، سفارشها / محمود اکبری مشخصات نشر: قم گلستان ادب ۱۳۸۲. مشخصات ظاهری: ۱۴۴ص. شابک: ۶۵۰۰ ریال: ۹۶۴-۷۵۱۵-۶۰-X؛ ۱۰۰۰۰ریال (چاپ چهارم)؛ ۱۲۰۰۰ریال (چاپ هفتم)؛ ۱۴۰۰۰ریال (چاپ هشتم)؛ ۱۴۰۰۰ریال (چاپ دهم)؛ ۱۸۰۰۰ریال (چاپ یازدهم)؛ ۱۸۰۰۰ریال (چاپ دوازدهم)؛ ۱۸۰۰۰ریال (چاپ سیزدهم) یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Boys lessons & advises یادداشت: چاپ چهارم و پنجم: ۱۳۸۵. یادداشت: چاپ هفتم و هشتم: ۱۳۸۶. یادداشت: چاپ دهم: ۱۳۸۷. یادداشت: چاپ یازدهم: زمستان ۱۳۸۷. یادداشت: چاپ دوازدهم: ۱۳۸۸. یادداشت: چاپ سیزدهم: زمستان ۱۳۸۸. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: جوانان و اسلام موضوع: پسران - راه و رسم زندگی موضوع: اخلاق اسلامی رده بندی کنگره: ۱۶۵/۲۳۰/BP۲۳۰/الف۷۴پ۷ ۱۳۸۲ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳ شماره کتابشناسی ملی: ۸۳-۶۳۴۸

### پیشگفتار

"جوانان" مفیدترین، مؤثرترین و درعین حال، آسیب پذیرترین گروه جامعه اند، که با اصلاح آنان، جامعه اصلاح می شود و با فساد آنان جامعه به سوی تباهی خواهد رفت. "جوانان" قلب جامعه اند که با تپش این قلب خون تازه در شریانهای جامعه جریان می یابد و جامعه، آهنگ تکامل و پویایی سر می دهد و راه حیات و بالندگی را می پیماید. اگر ضربان این قلب، رو به خمودی و سستی نهد، آهنگ جامعه نیز به خاموشی میگراید و حیات بالنده جامعه، رو به سوی افول و سکون خواهد نهاد. اگر این گلها دچار آفت شوند تمامی پیکره ی جامعه، دچار آفت زدگی و بیماری خواهد شد. لذا تمام نیروهایی که به نحوی با این قشر سر و کار دارند می بایست تلاش کنند تا زمینه های رشد و بالندگی جوانان را فراهم نمایند این دفتر مجموعه ای از درسها، هشدارها، معیارها، پیام ها و دانستنیهایی است برای جوانان و نوجوانان، و بدان امید که مفید واقع شود. والسلام محمود اکبری

### بخش نخست: دانستیها و پندها

#### اشاره

دورنمای زندگی طی شد این عمر، تو دانی به چه سان؟ پوچ و بس تند، چنان بادِ دمان همه تقصیر من است، که نکردم فکری، که چه سان میگذرد عمر گران... هیچ کس نیز نگفت: زندگی چیست؟ چرا می آییم؟ بعد از این چند صباح، به کجا باید رفت؟ - با کدامین توشه؟ به چه سان باید رفت؟ نوجوانی سپری گشت به بازی به نشاط فارغ از نیکت و بد و مرگ و حیات پس از آن نیز نفهمیدم هیچ که چه سان باید زیست؟ به کجا باید رفت... همه گفتند جوان است هنوز، بگذارید جوانی بکنند، بهره از عمر برد، کامرانی بکنند بگذارید که خوش باشد و مست بعد از این نیز و را عمری هست! یک نفر بانگ برآورد که: او، از هم اکنون باید، فکر فردا باشد! دیگری آوا داد، چو فردا بشود، فکر فردا بکنند! دیگری گفت: همان طور که دیروزش رفت، بگذرد امروزش، بگذرد فردایش! کس مرا هیچ نگفت: زندگی خوردن نیست، ثروت و قدرت نیست، زندگی غفلت نیست... من شدم خلق که با عزمی جزم، پای از بند هواها گسلم فارغ از شهوت و از کینه و آرز، از جوانمردی و عزت سرشار، در ره کشف حقایق کوشم، شربت جرئت و امید و شهامت نوشم، آنچه آموخته ام بر دگران آموزم، شمع راه دگران گردم و با شعل؟ خویش ره نمایم به همه گر چه

سراپا سوزم... مهدی دافعیان "جوان تنهاست جهان ما کنون دیگر، بسان مار خوش خال است. بسان مار خوش خطی که جای او سیه چال است. به ظاهر جلوه ای زیبا، نمایی دلربا دارد. اگر از چهره اش گیری نقابش را ز زیبایی نشانی نیست. و خواهی دید اندر معدن پستی، خیانت را، جنایت را. در این صحرای وحشت زاء، جوان تنهاست جوان اندیشه اش تنها و او تنهاست جوان تنها غریق دست و پا گم کرده در دریای طوفان زاست. جوان تنهاست، جوان تنهاست. بدورش صد هزاران اژدها باشد. و هر یک را؛ برای صید او اکنون هزاران حیل در سر، مکر در خاطر، ریا در مغز می باشد. جوان مات است و مبهوت است. دگر در او نشاطی نیست. جوان مغروق در عیش است. جوان مغروق در نوش است جوان کانون نیرو، مظهر زیبایی و قدرت، کنون تنهاست. جوان آواره در صحرای وحشت زاست جوان تنهاست، جوان تنهاست. پدر بیدار شو از خواب غفلت، بین جوانت را! پدر آگاه شو، بنگر جوانت را درنگ بیهوده است، برخیز برای یاری فرزند خود، سوبش شتابان شو! و از چنگال اهریمن نجاتش ده و از افکار او، نامردمی بگسل که او در پرتو حق و حقیقت راستگو گردد. صفات آدمی گیرد. ز نامردان جدا گردد طریق دوستی پوید پدر برخیز، پدر برخیز... ۱

۱. سید مصطفی حسینی

### دورنمای زندگی

طی شد این عمر، تو دانی به چه سان؟ پوچ و بس تند، چنان باد دمان همه تقصیر من است، که نکردم فکری، که چه سان میگذرد عمر گران... هیچ کس نیز نگفت: زندگی چیست؟ چرا می آیم؟ بعد از این چند صباح، به کجا باید رفت؟ - با کدامین توشه؟ به چه سان باید رفت؟ نوجوانی سپری گشت به بازی به نشاط فارغ از نیک و بد و مرگ و حیات پس از آن نیز نفهمیدم هیچ که چه سان باید زیست؟ به کجا باید رفت... همه گفتند جوان است هنوز، بگذارید جوانی بکند، بهره از عمر برد، کامرانی بکند بگذارید که خوش باشد و مست بعد از این نیز و را عمری هست! یک نفر بانگ برآورد که: او، از هم اکنون باید، فکر فردا باشد! دیگری آوا داد، چو فردا بشود، فکر فردا بکند! دیگری گفت: همان طور که دیروزش رفت، بگذرد امروزش، بگذرد فردایش! کس مرا هیچ نگفت: زندگی خوردن نیست، ثروت و قدرت نیست، زندگی غفلت نیست... من شدم خلق که با عزمی جزم، پای از بند هواها گسلم فارغ از شهوت و از کینه و آرز، از جوانمردی و عزت سرشار، در ره کشف حقایق کوشم، شربت جرئت و امید و شهامت نوشم، آنچه آموخته ام بر دگران آموزم، شمع راه دگران گردم و با شعله خویش ره نمایم به همه گر چه سراپا سوزم... مهدی دافعیان"

### جوان تنهاست

جهان ما کنون دیگر، بسان مار خوش خال است. بسان مار خوش خطی که جای او سیه چال است. به ظاهر جلوه ای زیبا، نمایی دلربا دارد. اگر از چهره اش گیری نقابش را ز زیبایی نشانی نیست. و خواهی دید اندر معدن پستی، خیانت را، جنایت را. در این صحرای وحشت زاء، جوان تنهاست جوان اندیشه اش تنها و او تنهاست جوان تنها غریق دست و پا گم کرده در دریای طوفان زاست. جوان تنهاست، جوان تنهاست. بدورش صد هزاران اژدها باشد. و هر یک را؛ برای صید او اکنون هزاران حیل در سر، مکر در خاطر، ریا در مغز می باشد. جوان مات است و مبهوت است. دگر در او نشاطی نیست. جوان مغروق در عیش است. جوان مغروق در نوش است جوان کانون نیرو، مظهر زیبایی و قدرت، کنون تنهاست. جوان آواره در صحرای وحشت زاست جوان تنهاست، جوان تنهاست. پدر بیدار شو از خواب غفلت، بین جوانت را! پدر آگاه شو، بنگر جوانت را درنگ بیهوده است، برخیز برای یاری فرزند خود، سوبش شتابان شو! و از چنگال اهریمن نجاتش ده و از افکار او، نامردمی بگسل که او در پرتو حق و حقیقت راستگو گردد. صفات آدمی گیرد. ز نامردان جدا گردد طریق دوستی پوید پدر برخیز، پدر برخیز... ۱

۱. سید مصطفی حسینی

## نقش پاک‌ی جوان

دو بانوی ژاپنی با راهنمایی‌های یک جوان ایرانی شاغل در ژاپن به دین اسلام و مذهب تشیع مشرف شدند. خانمها "تویوکوکانکو و ماتسکو یامادا" که به همراه آقای رحیم اصغری به ایران سفر کرده بودند در حضور حجت الاسلام نقیب پور امام جمعه سلمان‌شهر با ادای شهادتین به وحدانیت خدا، رسالت حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله وسلم) و امامت ائمه شیعه اثنی عشر ایمان آوردند. خانم "تویوکوکانکو" از استان "ناگانو" شهر "ماتسوموتوی" ژاپن که صاحب یک شرکت تولیدی می باشد درباره نحوه اسلام آوردن خود و مادرش گفت: قبلاً از اسلام اطلاعی نداشتم فقط اسم "الله" و "قرآن" را شنیده بودم اما در ده سال اخیر که آقای رحیم اصغری در شرکت من کار میکرد اطلاعات دقیقتری از این دین آسمانی به دست آوردم تا حدی که همراه مادرم به ایران آمدم و مسلمان شدیم. وی افزود: وقتی رحیم را می دیدم که بر خلاف جوانهای هم سن خود به معنویت فکر میکند و نماز به جا می آورد یا روزه می گیرد. تعجب میکردم که چگونه یک جوان در چنان محیطی علاوه بر توجه به نماز، هنگام کار روزه هم میگیرد و غذا نمی خورد. علت را از رحیم پرسیدم. او عمل به دستورات اسلام و قرآن را دلیل دوری از گناه ذکر کرد و کم رفتار ایشان بر من و مادرم تأثیر گذاشت و از اینکه رحیم باعث شد بین من و خدای واحد ارتباطی ایجاد شود و از توجه به معنویت احساس آرامش نمایم بسیار خوشحالم و این وضعیت باعث شد تا من رحیم را به فرزند خود قبول کنم و او را همانند ۵ فرزند دیگرم صاحب ارث و سهامدار شرکت نمایم و در دوره کهنوت نیز سرپرستی خود را به پسر خوانده ام (رحیم) واگذار کردم. خانم تویوکو ۵۴ ساله درباره نحوه عمل به دستورات اسلام همانند نماز و روزه نیز گفت: گرسنگی برای هر موجودی سخت است اما در سختی ها انسان ساخته می شود. شاید اولش سخت باشد اما بعداً خداوند بر انسان سختی ها را آسان می سازد. درباره نماز هم باید بگویم که این کار نه تنها برای من و مادرم سخت نیست بلکه با آن احساس آرامش هم میکنیم. وی در توصیه ای به غیر مسلمانان خصوصاً مردم ژاپن گفت: توصیه میکنم اگر آنان مسلمان هم نمی شوند حداقل یکبار مفاهیم اسلامی خصوصاً قرآن را مطالعه کنند. وی همچنین از سفارت ژاپن در تهران درخواست کرد برای فرزند خوانده اش ویزا صادر نموده تا مشترکاً به ژاپن بازگردند. ۱۱ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱/۹/۸۰.

## آینه صاف

فکر در عاقبت گناه عامل توبه است. فکر در فنای دنیا، عامل زهد است. فکر در نعمت ها، عامل حبّ به خداست. فکر در مرگ، عامل کنترل هوس های نفسانی است. فکر در عواقب کار، عامل مصونیت از گناه است. فکر در احوال بزرگان، عامل مقایسه و رشد است. فکر در عذاب الهی، عامل خوف از خداست. فکر در تاریخ، عامل عبرت است.

## جوان و استعداد

هر یک از جوانان دارای استعدادهایی هستند که سبب تمایز از دیگران می شوند، این استعدادها معمولاً نامشخص و ناشناس در انتظار کشف و پرورش می مانند. ممکن است اشکال کار در این باشد که این استعدادها همیشه چیزی نباشد که دیگران انتظارش را دارند. ممکن است یک جوان در ورزش آنقدر ضعیف باشد که نتواند یک توپ را به هدف بزند ولی استعداد فوق العاده ای در نقاشی و هنر داشته باشد. و یا به دشواری، مواد درسی را از طریق خواندن در حافظه خود نگهدارد، اما از طریق نوشتن یا شنیدن استعداد شگرفی در حفظ کردن داشته باشد. یکی از مشکلات زندگی جوان این است که گاه بدون این که فرصت پیدا کند استعدادهای پنهان خود را بروز دهد، مورد سرزنش قرار میگیرد در حالی که به جرأت می توان گفت جوان بی استعداد وجود

ندارد؟ شما بسیاری از دانشمندان را می‌توانید به یاد بیاورید که در جوانی یک چنین مشکلاتی را داشته‌اند ولی به هر حال این فرصت را پیدا کرده‌اند که با یافتن فرصت و ابراز لیاقت خود را به عنوان دانشمند و یا شخصیت معتبر مطرح کنند. آلبرت انیشتین از مدارس رسمی نفرت داشت ولی در حصار اندیشه‌هایش که بسیار بلند پروازانه می‌نمود به کیهان و سیارات علاقمندی بی‌پایان داشت. حال اگر دانش آموزی، امروز چنان شرایطی داشته باشد، قطعاً از سوی معلمان به بی‌توجهی، تنبلی، بی‌استعدادی و... متهم می‌شود. حتی برای چنین دانش آموزی ممکن است پدر و مادر هم وسیله رنج باشند آیا برخورد با چنین دانش آموزی، بدون توجه به زمینه‌های درخشان استعداد که در او وجود دارد، بی‌توجهی به آینده‌ی جامعه و تضییع توانمندی‌ها نیست؟... معلمی میگفت در کلاس سوم راهنمایی دانش آموزی داشتم به نام کیوان که در دو مدرسه به دلیل تنبلی و بی‌توجهی به درس، زبان زد همه دبیران بود تا جایی که برخی از معلمین او دارای، روانی پریشان و کم‌هوش می‌شمردند او میگفت در حالی که همه از کیوان ناامید بودند و می‌گفتند هر بار که او دیر به مدرسه می‌آید علت را از او می‌پرسیم، داستان پردازی میکند، یک روز در زنگ انشاء، از بچه‌ها خواستم جزئیات کارهایی را که در یک روز انجام داده‌اند بنویسند با حیرت متوجه شدم که کیوان استعداد شایان توجه در نویسندگی و داستان پردازی و گزارش نویسی دارد. زیرا این کار برایش بسیار لذت بخش بود. چیزی که هیچ دبیری به آن توجه نداشت. ۱۱ خراسان، ش ۱۲۷۹۳، مورخ ۱۳۷/۷۳.

### جوانها و جمله‌ها

در هر سنی و در میان هر گروهی بطور معمول الفاظ و واژه‌هایی مطرح می‌شود که خاص همان دوران می‌باشد و در سنین و دوره‌های دیگر کمتر آن اثر دهی را دارد. این الفاظ بیشتر برخاسته از روحیه و خصوصیات روانی افراد است که با گذر از آن مرحله کمتر بکار رفته و مورد استفاده قرار می‌گیرند. مطابق این نظر دوران نوجوانی و جوانی هم واژه‌هایی مختص به خود را دارد که بکارگیری آن تنها در این سنین موجبات تحریک افراد را فراهم می‌کند. یکی از این الفاظی که کم و بیش در این سنین اثر محرکه دارد واژه سئوالی "می ترسی"؟ است. بدین شکل زمانی که جوان یا نوجوان در مقابل مسأله‌ای قرار می‌گیرد و چندان رغبتی به آن نشان نمی‌دهد. دوستان و رفقا؟! با استفاده از این کلمه سعی در واداشتن فرد به سوی موضوع مورد نظر می‌کنند. این کلمه معمولاً به صورت متضاد با واژه "شجاع" که یکی دیگر از الفاظ متداول این دوره است بکار گرفته میشود. میترسی؟ دل و جرأت این کار را نداری؟ شجاعت کجاست؟ و بسیاری از کلمات و جملات دیگری که جهت ترغیب مورد استفاده قرار می‌گیرد تا جوان را به راهی بکشاند که مورد درخواست فرد یا افراد، همراه است. آنچه در این باره لازم به ذکر و توجه است این است که، ترسیدن همیشه احساس بدی نیست. ترس یکی از طرق محافظت و نگهداری ابعاد جسمی و معنوی انسان است. بواسطه این ترس است که انسان توانسته بسیاری از موفقیتها و پیشرفتهای کنونی اش را داشته باشد و گرنه در صورت نترسیدن مطمئناً تا بحال دیگر انسانی وجود نداشت تا موفقیتی حاصل نموده باشد. اما این ترس همیشه هم کارساز نیست، ترسی مفید و پسندیده است که عاقلانه و از روی تدبر و منطق باشد. انسان همیشه در حال ترس و نگرانی، موجودی بیمار و مریض است که قطعاً نیاز به معالجه و درمان دارد. از آن ترسی باید پرهیز نمود که انسان را در حالت انزوا، تنهایی و انفعال قرار دهد و آن ترسی مفید و پسندیده است که در روی آوری با پدیده‌ای جنبه‌های ارزشی و معنوی حیات خدشه دار شود. شجاعت خصلت نیکویی است اما کی و کجا؟ مسلماً همیشه شجاع بودن و خود را در دام هر خطری انداختن دور از عقل و منطق است باید شجاع بود اما در حفظ ارزشها اگر کسی برای از میان بردن معیارهای پسندیده جامعه از خود شجاعت بخرج دهد، باید آن عمل را نابهنجار خواند. از دیگر واژه‌هایی که در این سنین مورد استفاده قرار می‌گیرد، جمله "یکبار ضرر ندارد"؟! است. این جمله نیز زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که جوان یا نوجوان در برابر پدیده‌ای قرار گیرد که نسبت به آن اکراه داشته باشد، لیکن دوست یا دوستان؟ با استفاده از خصوصیات احساسی

و عاطفی فرد، سعی در شرکت او کنند. از این جمله بوی خطر به مشام می رسد باید به محض شنیدن این جمله از محل دور شد چرا که اگر در دم لذت داشته باشد عواقب خطرناکی در پی خواهد داشت به گفته شاعر: به راحت نفسی رنج پایدار مجوی شب شراب نیرزد به بامداد خمار جوانان و نوجوانان خوب است توجه داشته باشند که این جمله کار را به کارستان خواهد کشاند. بسیاری از چیزها هستند که استفاده از یکبارش که به تجویز به اصطلاح دوستان بی ضرر تشخیص داده شده به نابودی و از بین رفتن فرد و بی آبرویی خانواده اش انجامیده. آن چیست که یکبارش ضرر ندارد؟ بسیاری از مبتلایان به مواد افیونی خود را قربانی این جمله معرفی میکنند. نترس، یکبار که ضرر ندارد. با یکبار کسی... و ما در زندانها، و مراکز پزشکی قانونی و قبرستانها آثار آن یکبار را می توانیم متعدد ببینیم." دم غنیمت است " جمله دیگری است که سابقه آن به ادبیات بی تعهد و تحدید کننده ای برمیگردد که هنر را برای هنر می خواهد. هر چیزی برای حال بی فکر فردا، به مانند کودکی که تنها به لذت حاضر می اندیشد و همین است عامل تدخیر و عقب ماندگی برخی از ملتها که از سوی بدخواهان نیز بدان دامن زده شده است. ۱ از جمله هایی که گاه در میان جوانان گناه کار مطرح می شود ایرن است که " (جوانیم بعد توبه میکنیم " یا " جوانیه دیگر " و با این تعبیرات به خود حق می دهند که چنین باشند در حالی که جوان بودن عذر موجهی برای انسان نمی باشد و هیچ کسی نمی تواند مطمئن باشد که بعد از دوران جوانی اشتباهات گذشته ی خود را جبران خواهد کرد. یکی از جملاتی که گاهی در بین نوجوانان مطرح می شود بگذارید برود از باباش اجازه بگیرد بعد بیاید. و با این جمله رفتار مثبت یک جوانی که می خواهد حساب شده و با مشورت خانواده خود تصمیم بگیرد زیر سؤال قرار میگیرد و به او چنین القاء می شود که مرد آن است که بدون مشورت هرکاری را که بخواهد انجام دهد و بدین گونه نوجوانان ناخواسته دچار لغزشهای گوناگون می شوند چرا که از تجربه و آگاهی کافی برخوردار نیستند. ۱. روزنامه قدس ۷/۸/۸۱.

## از کدامین راه

میان این همه راه فراوان رهروان گردیده سرگردان و حیران و همه پرسش به لب دارند از کدامین راه باید رفت با کدامین کاروان باید سفر بنمود از کدامین جام باید باده ایمان و دین نوشید؟ یا کدامین جامه را باید بر تن نمود؟ بشارت ده کسانی را که از آنچه که بشنیدند نکوتر را گزیدند و عمل کردند بشارت ده کسانی را که گرد پرچم باطل نگردیدند قدمهای بسی محکم براه راست بنهادند بجز نیکی ره دیگر نپیمودند. بشارت ده کسانی را که تا آن آخرین لحظه همه حق را پسندیدند و آنرا افتخار خویش دانستند به راه علم و دین و دانش و تقوی، قدم بنهادند و رفتند به اقیانوس پر فیض حقیقتها رسیدند. ۱. آوایی در سکوت ص ۲۲، جواد محدثی

## بایدها

باید از کوه استواری را باید از چشمه جوشش را باید از فرش پوشش را باید از ابر ریزش را باید از برف سپیدی را باید از آب استقامت را باید از آسمان صداقت را آموخت.

## سراب

بیابان سرد و خالی بود. دهانم خشک و عاری بود. لبانم از عطش چسبیده بر هم بود. از آن سو چشمه آبی. به چشمم خورد. جلو رفتم... سرابی بود سراب آرزوها بود.



## دروغ در رشته های گوناگون

کاش معلم ادبیات میگفت صدمبار بدی دروغ را بنویسید تا زشتیش یادتان نرود. کاش معلم نقاشی دروغ را میکشید و به ما نشان می داد. کاش معلم زیست شناسی دروغ را تشریح میکرد و میگفت قلبش پر از خار است. کاش معلم شیمی میگفت: دروغ با زمان رسوب نمیکند. کاش معلم فیزیک شدت جریان دروغ را اندازه میگرفت و میگفت هر مقاومتی دروغ را نابود میکند. کاش معلم جبر با یک معادله ی چند مجهولی بالاخره دروغ را پیدا میکرد. و به ما میگفت درجه منفی اش چند است.

### گزیده ها

کسی که "نقد جوانی" را رایگان از کف بدهد، کوله باری از حسرت را تا ادام؟ قیامت بر دوش خواهد کشید. - اگر چشم، دریای هوس شود قایق گناه در آن حرکت میکند. - کسی به بهشت می رسد که از جهنم بگذرد. گذشتن از جهنم یعنی گذر از گناه و شهوت. - نماز، پلی است بین "دل" و "ملکوت"؛ این پل را شکسته مپسند. - قنوت، یعنی خود را در دست ها نهادن و به خدا تقدیم کردن. - هر کس آن چنان زندگی میکند که نماز می خواند و هر کس آنچنان نماز می خواند که زندگی میکند. - هر گاه با دیگرانید خود را خط بزنید و هر وقت با خدایید، دیگران را. دل خانه خداست؛ به کسی اجاره اش ندهید. عاشق خدا باش تا معشوق خلق شوی. - توپ دلت را به هر کسی پاس نده. - شخصیت هر کس را با ترازوی اخلاقش وزن میکنند. - عمر هوس از عمر حجاب کوتاهتر است. - در کشور دینتان از کودتای شیطان غفلت نوزید. - گناه کردن، بازی با آتش است. - توبه صابون گناه است. - نماز، سند رهایی از وابستگی هاست. - از نگاه، تا گناه، راهی نیست. - در جاد؟ هوس هیچ کس به مقصد نمی رسد. - حساب آخرت را هرگز نبندید. - دنیا را با عینک عبرت تماشا کنید. - آن که اهل نماز نیست با خدا قهر است. - سعی کنید در میدان زندگی "اوت" نشوید. - یا سخنی داشته باش دلپذیر، یا دلی داشته باشد سخن پذیر. - حرف زدن بدون فکر مانند تیر اندازی بدون هدف است. - قانون و تعلیمات اخلاقی موقعی تأثیر دارد که به صفحه ی قلوب مردم نوشته شود. - همه چیز وقتی زیاد شد ارزان می شود مگر علم و عقل. - خطر آلودگی محیط ذهن از خطر آلودگی محیط زیست کمتر نیست. - چراغی را که در شب می درخشد در روز نباید شکست. - پول خوشبختی نمی آورد اما می تواند برخی از بدبختی ها را از میان ببرد. - یک قطعه سفالین؟ خودی- از صدها جواهر بیگانگان پربهاتر است. - سکوت صدای پنهان اندیشه است. - شکست اگر چه واژه تلخ است. اما سرشار از میوه های شیرین است. - ما همه آسمانی هستیم به زمین مهاجرت کرده ایم که به آسمان برگردیم. - در جوانی پیر باش تا در پیری جوان باشی. - کسی که به آسانی باور می کند به آسانی هم گول خواهد خورد. - علم همچون چراغ است که برای طواف نیست برای راه نشان دادن است. - هر لحظه قطعنامه ای است که بر گور لحظه پیش قرائت می شود و با تیک تاک ساعت به تصویب می رسد. - نخستین کلام بهترین کلام است. - هر کار که با غرور آغاز شود با شکست پایان می یابد. - انسان هر چقدر بزرگتر شود با دیگران بزرگوارانه تر برخورد میکند. - چشم ناپاک چشم شیطان است. - هر کجا شخصیت مؤمنی شکسته شود در آنجا عروسی شیاطین بر پا می شود. - از داراییهای استفاده کن و گرنه حمال آنها می شوی. - عیب جویی کار بدی است، اما خوب است از خودتان عیب جویی کنید. - انسان اگر به اندازه ای که به شکل خود اهمیت می دهد به جان خویش می رسد، از فرشته زیباتر می شد. - برای مشاهد؟ خدا، گردگیری از آینه دل ضروری است. - گناهکار، دشمن خویش است. - اگر خوبها نبودند، بدها از بوی تعفن خود خفه می شدند! - بی نماز، تبهکاری است که نردبان صعود به آسمان را شکسته است. - در مسابقه زندگی، گل زدن هنر نیست، گل شدن هنر است. - شیطان برای ورود به سرزمین قلب، به هیچکس گذرنامه نشان نمی دهد. - کسی که با خدا قهر است، با خود آشتی نمی کند. - درسی که تنها حفظش کنی درس نیست، درس آن است که تو را حفظ کند.



کسی که نقد جوانی را رایگان از کف بدهد، کوله باری از حسرت تا دامنه‌ی قیامت بر دوش خواهد کشید. - هر که خود را نسازد، ویرانه‌ای بیش نیست، اگر ویرانگر نباشد! - هر که خود را نشکند، خواهد شکست. - اگر می‌خواهی آرایش زیبا و آسان و ارزان کرده باشی، لبخند بزن. - آدمی خواندنی‌ترین کتابی است که اغلب نخوانده می‌ماند. - زبان، پرده‌دار پرده‌است. - چه نزدیک است زبان به زیان. - انسانها بهشتی‌اند. اگر با شعله‌های گناه، بهشت خود را به آتش نکشند. - اگر از هشدار آگاهان بر نخیزیم، سیلی روزگار، بیدارمان خواهد کرد. - ستایشگران دروغین، دشمنانی هستند که دوستان می‌پنداریم. - منتقدان راستین دوستانی هستند که دشمنانمان می‌داریم. - ما هیچ وظیفه‌ای مهم‌تر و فوری‌تر از اصلاح خویش نداریم. - دلی که از خدا نترسد، پایگاه شیطان می‌شود. - مشورت با هزار کس کن و راز خود را با یکی مگو! - دقایقی را که به عیب‌جویی از دیگران می‌گذرانیم، اگر به تأمل در معایب خویشتن صرف کنیم، هزار فایده می‌بریم که کوچکترین آن خودشناسی است. - بکوش که نسبت به مردم بدبین نشوی؛ زیرا که صاحب سوء ظن را جز زحمت ابدی و کسالت روحی بهره نباشد. - بدبینی و بدگمانی پرده‌ای است که میان ما و دیگران حایل می‌شود و هیچ وقت نمی‌گذارد رشته دوستی خود را با آنها محکم ساخته و از نعمت وفا و محبت، بهره‌مند شویم.

## آدمها و کتا بها

بعضی از آدمها جلد زرکوب دارند، بعضی جلد ضخیم و بعضی جلد نازک. بعضی از آدمها کاهی چاپ می‌شوند و بعضی با کاغذ خارجی. بعضی از آدمها ترجمه شده‌اند. بعضی از آدمها تجدید چاپ می‌شوند و بعضی از آدمها فتوکپی آدمهای دیگرند. بعضی از آدمها با حروف سیاه چاپ می‌شوند و بعضی از آدمها صفحات رنگی دارند. بعضی از آدمها قیمت روی جلد دارند. بعضی از آدمها با چند درصد تخفیف به فروش می‌رسند و بعضی از آدمها بعد از فروش پس گرفته نمی‌شوند. بعضی از آدمها را باید جلد گرفت، بعضی از آدمها را می‌شود توی جیب گذاشت، بعضی از آدمها را می‌توان در کیف مدرسه گذاشت. بعضی از آدمها نمایشنامه‌اند و در چند پرده نوشته می‌شوند. بعضی از آدمها فقط جدول و سرگرمی دارند و بعضی از آدمها معلومات عمومی هستند. بعضی از آدمها خط خوردگی دارند و بعضی از آدمها، غلط چاپی. از روی بعضی از آدمها باید مشق نوشت و از روی بعضی از آدمها جریمه. بعضی از آدمها را باید چند بار بخوانیم تا معنی آنها را بفهمیم و بعضی از آدمها را باید نخوانده دور انداخت. بعضی از آدمها مخصوص نوجوانان نوشته می‌شوند و بعضی مخصوص بزرگسالان. "قیصر امین پور"

## توپ گناه و دروازه دل

گفتم: در گروه خودتان چه کاره‌ای؟ گفت: دروازه بان دلم! گفتم: این هم شد کار؟ چرا به خط حمله نمی‌روی؟ گفت: فکرم از دروازه مطمئن نیست. دلم یک دروازه‌است. اگر کنترل نکنم، می‌بینی که پی در پی گل می‌خورم. گفتم: مثلاً چه گلی؟ گفت: گل گناه، گل هوس، گل غرور، گل دوستی‌های حساب نشده، گل غفلت از آینده و آخرت! گفتم: چطور است جمع شویم و با "تیم ابلیس" مسابقه بدهیم؟ گفت: به شرط اینکه خودم دروازه بان باشم، چون می‌دانم که از چه زاویه‌ای "توپ گناه" را به طرف "دروازه دل" شوت میکنند. گفتم: قبول، ولی از کجا این تجربه را کسب کرده‌ای؟ گفت: زیاد دیده‌ام که حمله ابلیس از زاویه "غفلت" است و "غرور". وقتی چراغ "یاد" خاموش می‌شود، غرور به دشمن ما "گرا" می‌دهد، آنگاه گناه، دروازه دل را میگشاید. شیطان، حریف قدری است، نمی‌شود آن را دست کم گرفت. گفتم: پس تو "خط دفاع" را بیشتر دوست داری؟ گفت: اگر آدم نتواند دفاع خوبی داشته باشد، مهاجم خوبی هم نمی‌شود. گفتم: دیگر کدام زاویه را باید مراقب بود؟ گفت: زاویه دل را. نشنیده‌ای که شاعر گوید: خواهی نخوری ز تیم ابلیس شکست باید به دفاع از دل و دیده نشست چون شوت شود به سوی دل توپ گناه دروازه دل به روی آن باید بست ۱ گفتم: دروازه بانی هم عجب لذتی دارد! گفت: به شرط آنکه گل نخوری و حمله شیطان

را دفع کنی. به همین جهت، "جهاد با نفس" بالاترین مبارزه هاست. ۱. محدثی.

## برد و باخت

گفتم: آیا تا به حال، به خودت باخته‌ای؟ گفت: تو خودت چی؟ آیا تا به حال، از خودت برده‌ای؟ گفتم: من اغلب حریف خودم نمیشوم، زورم به خودم نمی‌رسد و می‌بازم. گفت: اخلاص، یک بُرد است، "فاتح"، کسی است که "عکس العمل" خود را به کسی نشان نمی‌دهد و پیوسته آن را در "آلبوم خدا" مخفی میکند. "ریا" هم یک باخت است! گفتم: مدت هاست در حسرت یک پیروزی هستم. این هم شد زندگی؟ همه اش باختن و باختن و باختن! گفت: مدال گرفتن پیشکش، باختن به "نفس"، "شرمنده" گوی دارد! بعضی‌ها یک "عادت" را نمی‌توانند ترک کنند. گفتم: بعضی‌ها هم با یک مدال، دچار غرور می‌شوند و با یک "عنوان" که پیدا میکنند، خودشان را گم میکنند. گفت: عنوان هم نوعی باختن است. بعضی‌ها به خودشان می‌بازند، گفتم: نمیدانم چرا برخی ورزشکاران، خشن و سنگدل می‌شوند. گفت اگر ارزش کار بودند اینطور نمی‌شدند قهرمان کسی است که پهلوانی را با عاطفه بیامیزد و چشمه اشک او نخشکد. گفتم: قهرمانی را می‌شناسم که در برابر اشک یتیمی، براحتی "میرزا کوچک" می‌شود. گفت: او "آقا بزرگ" است!... گاهی باید برای بزرگ شدن، کوچک شد و برای بالا رفتن، پایین آمد. این یکی از فنون قهرمان شدن در مسابقه ارزشی است. "پوریای ولی" را تواضع و خصلت‌های مردمی بزرگ کرد!

## زندگی و فوتبال

عرصه زندگی بی شباهت به بازی فوتبال نیست! با این تفاوت که پهنه زندگی بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر است. نقطه شروع بازی زندگی "سن بلوغ" و تا پایان بازی، فرصتهای مغتنم بسیار وجود دارد. استفاده بهینه از این فرصت‌ها به موفقیت می‌انجامد و بر عکس، سهل‌انگاری و بی‌توجهی موجب "باخت" می‌شود... در این گستره بزرگ، گاه آن قدر جلو می‌روی که در "آفساید" قرار میگیری و تو را باز میگردانند. گاه "خطا" میکنی. "داورگیتی"، بسته به نوع خطا، آوانتاژ می‌دهد و اگر تکرار شد، با "کارت زرد" گوشمالی‌ات می‌دهد! و اگر همچنان خطای عمدی ادامه یافت، با "کارت قرمز" از دور خارج می‌شوی!... مربی نیز در پیروزی‌ات نقشی بسزا دارد. اگر به گفته‌ها و تجربیاتش توجه و عمل کنی، با سعی و تلاش، حتماً "کاپ" موفقیت را در آغوش خواهی کشید. گاه برای فرصت پیش می‌آید، از زاویه "کُرَنر" به هدف می‌نگری و با ایجاد موقعیت و "توپ‌سازی"، برای خود و یارانت مثمر ثمر می‌شوی. گاه از حریف "پنالتی" میگیری و "تماشاچیان" زندگی را به تحسین و "تشویق" و امی داری؛ و چه بسا همین فرصت‌ها موجب دستیابی به "گل" می‌شود و یا بر عکس، با یک لحظه غفلت، به "ضد حمله" تبدیل شده، همه چیز به نفع حریف رقم می‌خورد... آنچه مهم است استفاده صحیح از تمام لحظه‌ها، عوض کردن "تاکتیک" در صورت باز نشدن "خط دفاع" حریف و تسلیم نشدن در برابر "جنگ روانی" بازیکنان و تماشاگران است. گاه بازی زندگی به "وقت اضافه" کشیده می‌شود تا مافات جبران گردد. اگر در وقت اضافه "گل طلایی" زدی، محبوب داخل و خارج زمینی، همه دوستت دارند و به تو افتخار میکنند. البته باید بکوشی در "وقت قانونی" عمر، کار مثبتی انجام دهی. نباید منتظر وقت اضافه بود از کجا معلوم؟! شاید برای من و تو وقت اضافه و تلف شده منظور نکرده باشند و داورگیتی "سوت پایان" بازی را به صدا در آورد. امیدوارم در "دقیقه ۹۰" زندگی‌ات سربلند از زمین خارج شوی... مجله پسران "مهدی محدثی"

## ۱ احتلام پسران

احتلام یکی از مسائل طبیعی است که بیشتر برای پسران پیش می‌آید و لازم است نکات زیر در مسأله احتلام توجه شود. الف:

احتلام برای بدن مضر نیست و در کسانی که متأهل نیستند و بالغ و سالم هستند امری طبیعی است ولی اگر بیش از حد باشد ممکن است به دلیل نوعی بیماری باشد. ب: برای جلوگیری از احتلام راههای زیر پیشنهاد می شود: ۱- دو ساعت قبل از خواب چیزی خورده نشود ولو آب و چای. ۲- هوای اتاق نسبتاً خنک باشد. ۳- با استفاده از ساعت‌های زنگ دار ۲ یا ۳ بعد از نصف شب از خواب بیدار شده و ادرار نمایند. ۴- از امام صادق (علیه السلام) نقل شده برای دوری از احتلام دعای زیر خوانده شود. اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام و من شرّ الاحلام و ان یلبس بئ الشیطان فی الیقظۀ و المنام. ۵- خواندن آیه الکرسی و سوره های فلق و ناس. ۶- پرهیز از محیطهای آلوده و تحریک آمیز. ۷- پرهیز از پوشیدن لباسهای نرم و تنگ. ۸- پرهیز از چشم چرانی و نگاه بر نامحرم و فیلم هاو عکسهای محرک. ۹- پرهیز از خوردن غذاهای گرم و با حرارت و شهوت زا. ۱۰- پرهیز از گفتگوهای دوستانه محرک.

### فرصت جوانی

فرصت جوانی غنیمتی است که در جویبار (عمر) به سرعت می گذرد. در واقع، گذشت ساعت ها، عمر را می کاهد و فرصت ها را نابود می سازد. براساس تحقیقات انجام شده، یک عمر ۷۰ ساله به طور متوسط این گونه می گذرد: الف) ۲۵ سال خواب. ب) ۸ سال مطالعه. ج) ۶ سال استراحت و بیماری. د) ۷ سال تفریح و تعطیلات. ه) ۵ سال رفت و آمد. و) ۴ سال صرف آماده کردن غذا. ز) ۳ سال صرف آمادگی برای انجام فعالیتهای فوق. ح) ۱۲ سال (باقیمانده) صرف کار مفید. ۱. مجله تدبیر، ش ۸۴ ص ۳۹.

### عشق جوانی

عشق نوعی "کشش" و جاذبه نیرومندی است که بین انسان و یک موجود ایجاد میگردد اگر منشأ آگاهانه و الهی داشته باشد یکی از عالی ترین تجلیات روحی انسان به شمار می رود و اگر تنها ریشه غریزی و شهوانی داشته باشد. از مظاهر نفس اماره است در این حالت عشق، عقل و ایمان را در وجود آدمی تضعیف میکند بطوری که فرد عاشق، دیوانه وار برای رسیدن به معشوق خود به هر کار نامشروعی دست می زند تا به کام خود برسد.

### منشأ عشق

منشأ پیدایش عشق همان جلوه های فریبنده معشوق است که در آغاز، تولید محبت نموده و کم کم منجر به عشق می شود. این جلوه ها در صورتهای گوناگون توجه عاشق را جلب و قلب او را معطوف به خود میکنند. نگاههای پی در پی، نامه نگاری ها و اظهار علاقه ها، هدایا و... در این امر سهم به سزایی دارد.

### مهارتهای زندگی

- زندگی آن قدر طولانی نیست که تمام تجربه های آن را عملاً به ثبوت برسانیم. - برای پیشرفت و آسایش بهتر، تا می توانیم باید از تجربه های دیگران استفاده کنیم. - آن کس که اراده و استقامت دارد، روی شکست را نمی بیند. - برای کسی که آهسته و پیوسته راه می رود، هیچ راهی دور نیست. - بهترین دستور زندگی این است که انسان، اعتماد به نفس داشته باشد و در پرتو سعی و جدیت به مقام و منزلت برسد. - جوان می تواند به آنچه می خواهد برسد، به شرط آن که دست از دامن تصمیم استوار رها نکند. - هیچ چیز محال نیست و هر کاری را می تواند. - اگر به اندازه شایسته اراده داشته باشیم، به قدر کافی وسایل پیدا می کنیم. - آنچنان خود را برای جهان آماده کن که قهرمانان خود را برای میدان مسابقه آماده میکنند. - دوران دیشی و پیش بینی وسیله ای است که با

آن می توان به موفقیت دست یافت. - انسان نمی تواند مستقیماً حوادث زندگی خودش را انتخاب کند، ولی می تواند افکار خود را انتخاب کرده، با این عمل، به طور غیر مستقیم، شکل حوادث زندگی خود را تعیین نماید. - با زندگی که بر دوش میکشی، بار مقدسی است؛ به آن بنگر، آن را بردار، با شکوه آن را حمل کن، با غم و رنج از جا در مرو، پیوسته به پیش و به بالا برو تا به هدف برسی. - برای اینکه خوب زندگی کنی باید خودت را بالای زندگی نگاه داری. پس بیاموز که همیشه بالا روی و بیاموز که همیشه به پایین نگاه کنی. - بزرگ ترین فن زندگی، استفاده از فرصتهای بی نظیری است که به ما دست می دهد. - آهستگی و آرامی در سخن گفتن، کار آسانی نیست. در این جهان که اغلب مردم بر ضد یکدیگر می خروشدند، خودداری از هیجان و کینه و پرخاش، کاری بسیار دشوار است. برای نجات یافتن از این دشواری راهی جز آرام و نرم سخن گفتن نیست. - اگر میل دارید شما را هم صحبت مطبوعی بدانند، گوش کردن را تمرین کنید. - جواب ندادن هم جوابی است. - نطق، نوعی مسافرت است که باید با رسیدن به مقصد، توأم باشد و لذا باید قبل از سفر نطق، دارای نقشه بود. شخصی که بدون داشتن نقشه و هدف، این مسافرت را آغاز میکند، در پایانش هم به هیچ جا نمی رسد. - مراقب باش که به خاموشی عادت کنی، که از سکوت، هیچ گاه پشیمان نشوی. - هزار بار گوش بده و بیش از یکبار سخن مگو! - بر غمها و نگرانیهای ابلهانه خود بخندید تا ببینید چگونه دود می شوند و به هوا می روند. - برای اینکه پیش روی قاضی نایستی، پشت سر قانون راه برو! - تشخیص دادن عیوب، خیلی بهتر از عیوب است. - هر چه شنیدی مادام که دلیلی بر خلاف آن نداری، ممکن بدان. - قناعت، کیمیایی است که هر چه را لمس کند، طلا می شود. - نه چندان درشتی کن که از تو سیر شوند و نه چندان نرمی که بر تو چیره گردند. - اگر مایل به آسایش و راحت نفس خود هستی و به سلامت فکر و بدن خود علاقه داری و می خواهی از بار غم و اندوه بیرون بیایی، به این یک دستور مختصر رفتار کن: هیچ وقت تنها و بیکار منشین. - برای پیشرفت و پیروزی سه چیز لازم است: اول پشتکار، دوم پشتکار، سوم پشتکار. - استاد بودن در یک فن، بهتر از آن است که شخص در صد کار دخالت کند و هیچ یک را به خوبی یاد نگیرد. ۱ - کم حوصلگی، آفت مهم زندگی است. چه در تحصیل، چه در عبادت و چه در کار و تلاش. - روح جوان، پرشتاب، عجول و تنوع طلب است. اگر این نیرو با تحرك و "صبوری" و "پایداری" و "مقاومت" و "مداومت" گره بخورد و در هم آمیزد. بهره‌های بیشتری خواهد داشت. - اگر با برنامه ریزی بر سرعت لحظه‌ها و گذشت بی چون و چرای زمان مهر بزیم، زمان را در اختیار خواهیم داشت. و جریان آن را در مسیر اهداف خودمان تنظیم خواهیم کرد. اگر چنین کنیم با شگفتی خواهیم دید که فرصتهای ما "گسترش" یافته اند و به خیلی از کارها می رسیم گاهی ناکامی و شکست، برکت بسیاری دارد. هر چند تلخ است. ولی ثمره شیرین دارد، به شرط آنکه رمز شکست را بشناسی و عامل ناکامی را پیدا کنی، شکست، گاهی واقعیت را به ما نشان می دهد، گاهی غرور بیجا را می زداید، پخته می سازد و ورزیده میکند و به این صورت است که می توان از شکست، نردبان پیروزی ساخت چنین نیست که همه راهها به نمی شود ختم گردد و همه کوچه‌ها بن بست باشد و همه شکست خورده‌ها در خط پایان رسیده باشند. مهم آن است که افراد ناکام و ناموفق، بی آنکه روحیه خود را ببازند به تجزیه و تحلیل عملکرد و شیوه زندگی خود پردازند و عوامل شکست و ناکامی خود را به دست آورند و خلاصه اینکه در دل هر شکست بدر پیروزی نهفته است آن را بیابید و از آن مراقبت کنید تا نهال پیروزی سبز شود.

۱. حدیث زندگی، سال دوم، ص ۳۰، ش ۸.

### گامهایی برای موفقیت

۱- اهداف خود را مشخص نموده آنگاه قدم به قدم پیش بروید و امروز و فردا نکنید. ۲- تفکر مثبت داشته باشید در درون خود ندا سر دهید که "من می توانم" "من قدرتمندم" و نقاط مثبت خود را بنویسید. ۳- عبارات زیر را از ذهن خود پاک کنید. و در زندگی روزمره هرگز آنها را بکار نبرید. "من نمی توانم" "تجربه ندارم"، "استعداد ندارم"، "کم حافظه ام"، "نمی شود"، "خسته

شدم. " ۴- انعطاف پذیر باشید. دست از لجبازی و یک دنده گی بردارید و برای رسیدن به اهداف خود از شگردهای گوناگون استفاده کنید. ۵- عدم موفقیت را به عوامل خارجی نسبت ندهید، یعنی نگویید تقصیر پدرم بود، معلم خوبی نداشتم و... دلیل عدم موفقیت خود را در درون خود جستجو کنید و در رفع آن تلاش نمایید. ۶- لحظه ها را از دست ندهید چرا که زندگی از مجموعه دقایق تشکیل شده است. ۷- برای رسیدن به موفقیت با افراد موفق نشست و برخاست کنید. ۸- یکی از عوامل موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی صبر و استقامت است که از مهمترین ویژگیهای مردان الهی است. ۹- ذوق و استعداد خود را بیابید.

### بوسه بر دست پدر

شهید مطهری میگوید: گهگاه که به اسرار وجودی خود و کارهایم می اندیشم، احساس میکنم یکی از مسایلی که باعث خیر و برکت در زندگی ام شده و همواره عنایت و لطف الهی را شامل حال من کرده است احترام و نیکی فراوانی بوده است که به والدین خود به ویژه در دوران پیری و هنگام بیماری کرده ام. علاوه بر توجه معنوی و عاطفی تا آنجا که توانایی ام اجازه می داد با وجود فقر مالی و مشکلات مادی در زندگی ام از نظر هزینه و مخارج زندگی به آنان کمک و مساعدت کرده ام. ۱. مجتبی مطهری یکی از فرزندان شهید مطهری نیز میگوید: شهید ۱-۲. سرگذشت‌های ویژه از زندگی استاد مطهری ج ۲. ص ۱۴۹. مطهری در موقع روبرو شدن با پدر و مادر دست آنان را می بوسیدند و به ما نیز توصیه میکردند که دست ایشان را بوسیم.

### قیمت انسان

انسانهای بلند همت، هیچگاه خودشان را ارزان نمی فروشند. آنان که در مقابل یک میز و سلام و لبخند و وعده "، خلع سلاح" می شوند و سپر می اندازند و دامن اختیار از دست می دهند، قیمت خود را نمی دانند و از نرخ " بازار ارزشها" بی خبرند. اگر دل می بندیم، به چیزی وابسته شویم که بیرزد. اگر عشق می ورزیم، عاشق چیزی شویم که ما را با ارزش کند، نه آنکه ما را از ارزش بیندازد! حیف است که دلها بی در و دروازه باشد و عشق ها و علاقه ها بی هویت و بی شناسنامه. کاش انسانها به اندازه کالایی که می خرند، در دل بستنها و محبت پیدا کردن ها هم حوصله و وسواس به خرج می دادند. کاش عشقها، این قدر حراج و بی قیمت و بازاری نمی شد کاش عاشقی تا این حد تنزل نمی کرد. " جواد محدثی"

### نو و کهنه

خورشید، میلیونها سال است که می تابد، ولی هرگز کهنه نمی شود. هیچ کس هم به دلیل قدیمی بودن خورشید، از آن احساس بی نیازی نمیکند. بعضی چیزهای قدیمی و کهن، همیشه " نو" هستند و مرور زمان آنها را از رونق نمی اندازد. " اخلاق"، " معنویت" و " دین" از این جمله اند. ما همیشه به خورشید نیازمندیم. به دین و اخلاق و پاکی هم همین طور. سنتهای دینی و ملی به ما هویت و شخصیت می دهد. کسی که به راحتی عوض کردن لباس و خانه، از " فرهنگ" و " باور" و " ایمان" خود دست می کشد، بی ریشه بودن خود را نشان می دهد. وقتی فرهنگ غنی و افتخار آفرین داریم، چرا از فرهنگ و رسوم دیگران گدایی کنیم؟ ما در کنار دریا نشسته ایم، چرا تشنه ی مرداب بیگانگان باشیم؟ سالها دل طلب جام جم از ما میکرد آنچه خود داشت، ز بیگط نه تمنا میکرد " جواد محدثی"

### پند پدر

به خاطر است مرا نکته ای ز پند پدر که گفت خواهی اگر واره‌ی ز خواریها عنان زندگیت را به دست غیر مده که بر تومی

فکند جز تو پاسداریها ز دوستان دغل می‌گریز و صحبتشان کزین گروه نیاید بزرگواریها همیشه در عجز و اندوه یار مردم باش ولی مدار ز مردم امید یاریها اگر که تکیه به ابنای روزگار کنی به روز حادثه بینی سیاهکاریها تو ای نهال برومند پند پیران را عزیز دار و گرامی چو یاد گاریها "علی باقر زاده"

## جوان

افسوس که عمر در بطالت بگذشت بارگنه بدون طاعت بگذشت فردا که به صحنه مجازات روم گویند که هنگام ندامت بگذشت "دیوان ص ۲۰۰"

## پندهای شاعران

کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است "سعدی" هر آن که جانب اهل وفا نگه دارد خدایش در همه حال از بلا نگه دارد "حافظ" بدی را بدی سهل باشد جزا اگر مردی، احسن الی من اسأ "سعدی" تیره روزان جهان را به چراغی دریاب تا پس از مرگ، تو را شمع مزاری باشد "صائب تبریزی" به پیری خدمت مادر پدر کن جوانی و جنون از سر به در کن مزن طعنه بر ایشان از دل سیر که گر یابی زمان، گردی تو هم پیر "ناصر خسرو" دوست آن است کو معایب دوست همچو آینه روبه رو گوید نه که چون شانه با هزاران زبان پشت سر رفته مو به مو گوید "امیر خسرو دهلوی"

## بخش دوم: درسها

### جایگاه نگاه

بیش تر مسائل زندگی ما به نگاه ایمان بستگی دارد. انتخاب همسر، شغل، خانه، دوست و صدها موضوع دیگر، همه با "نگاه" پیوند دارد. چشم و نگاه آدمی از مهم ترین عناصر مؤثر در تصمیم گیری او است و منشأ اغلب نفرت ها، اشتیاق ها و انتخاب ها، نگاه است. آدمی نمی تواند از تأثیر شنیده ها و دیده هایش بر مغز جلوگیری کند. این تأثیرپذیری به کمک شبکه اعصاب و فعالیت مغز صورت میگیرد و شخص نمی تواند با تلقین، چندان از تأثیر آن بکاهد. به همین علت، در آیات قرآن، پیوسته اهل ایمان از نگاه ناسالم و شنیدن چیزهای ناروا پرهیز داده شده اند: **إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا** "به درستی که گوش و چشم، دل مورد پرسش قرار میگیرند. "۱. اسراء، آیه ۳۶. از میان نگاه ها، نگاه مرد به زن- در هر سن که باشد و بالعکس- با دیگر نگاه ها تفاوت دارد به خصوص در دوره جوانی"، نگاه "معنا دارتر، با نفوذتر و خطر آفرین تر و حفظ آن دشوارتر میگردد. به همین سبب است که قرآن، از اهل ایمان می خواهد که برای حفظ پاکی خود و جامعه، نگاه هشان را مهار سازند: ۱۱. نور، آیه ۳۱.

### اقسام نگاه

۱- نگاه عبادت؛ مانند نگاه به چهره پدر و مادر، قرآن و دانشمند دینی. ۲- نگاه عبرت انگیز؛ مانند نگاه به افراد مصیبت زده، مناطق ویران شده، آثار سیل و زلزله و نعمت های پروردگار. ۳- نگاه فریبنده؛ مانند نگاه حسرت آور به زندگی ثروتمندان و نگاه به آنچه دنیا را در چشم آدمی بزرگ و دوست داشتنی جلوه می دهد. ۴- نگاه هوس انگیز؛ مانند نگاه به مناظر شهوت انگیز.



## انعکاس نگاه‌های آلوده

### ۱- حرکت بر روی لبه تیغ

در گفتار پیشوایان معصوم (علیه السلام) جملاتی مشاهده می‌شود که به جوانب تأثیر روانی و اجتماعی نگاه اشاره دارد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: *أَلْتَنْظُرُ بَرِيدُ الزَّانَا*. ۱ نگاه شهوت آلود، نامه رسان کار زشت است. ۱. ره توشه مبلغان، تا بستان ۸۰، ص ۵۹. گویا نگاه متمرکز و آلوده، با ارسال پیامی بسیار فوری، بیننده را به انجام روابط ناسالم دعوت میکند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: چشم، دیده بان عقل و جاسوس دل است. ۱ در حقیقت، دیده بان، مشاهدات خود را به مرکز اطلاعات گزارش میکند و در آن جا است که نسبت به مشاهدات تصمیم‌گیری می‌شود و نیروها بسیج می‌گردند. در بدن نیز مغز است که پیام‌های چشم را دریافت میکند و به تلاطم می‌افتد و هورمون‌های محرک غرایز را به سراسر بدن گسیل می‌دهد. آنچه در مغز رخ می‌دهد شاید همان باشد که در این فرموده امام صادق (علیه السلام) نهفته است که فرمود: نگاه پیاپی، بذر شهوت را در دل می‌افشانند، همین برای هلاکت بیننده کافی است. ۲ نگاه مانند کلید برق است که به وسیله اش برق نهفته خواهش‌های نفسانی در سراسر وجود آدمی به جریان می‌افتد و آنگاه فروغ عقل هر خردمندی خاموش می‌شود و پند و نصیحت بی‌اثر و ترس از آبروریزی و لغزش فراموش می‌گردد. آن‌جا که شهوت خیمه زند جای عقل نیست غوغا بود دو پادشاه اندر ولایتی و آنکه که شهوت، دست تجاوز دراز کرد معلوم می‌شود که عقل ندارد کفایتی ۱. میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۰. ۲. میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۱.

### ۲- تیرهای زهر آگین

انکار نمی‌شود که مشاهده چهره زشت، نظر انسان را جلب نمی‌کند و تمایلات غریزی را به هیجان نمی‌آورد. از همین رو، ذهن آدمی بیشتر چهره‌های زیبا را در خاطر حفظ می‌کند. همین سبب می‌شود که جوان پیوسته از مشاهداتش چیزهایی را به یاد آورد که برایش هیجان آور و تحریک‌کننده است و آن‌گاه به هوس افتد و در جست و جوی گناه برآید یا تلخی تحمیل را بچشد و دچار بیماری‌های روانی گردد. امام صادق (علیه السلام) فرمود: نگاه (به نامحرم) تیری از تیرهای زهر آگین ابلیس است. ۱ زهر نگاه، همان اوهام جنسی است که در کوتاهترین زمان، سراسر جسم و روح آدمی را دستخوش تلاطم می‌کند. خاطره صحنه مشاهده شده، در مغز تداعی و در اعضاء ظاهر می‌شود. فردی که می‌داند دستیابی به آنچه دیده برایش به آسانی ممکن نیست، در اندیشه فرو می‌رود و روانش در فشار قرار می‌گیرد و ظرفیت عصبی اش، به انتها می‌رسد و دچار فشار روانی (استرس) می‌گردد. به گفته شاعر: من آنچه دیده‌ام، زدل و دیده، دیده‌ام گاهی بود ز دل گله، گاهی ز دیده‌ام من آنچه تا کنون ز دل و دیده، دیده‌ام از دل ندیده‌ام، همه از دیده‌ام در این باره هنوز آدمیان سخنی پر ارج تر و سنجیده تر از این نگفته‌اند که امام صادق (علیه السلام) فرموده است: ۱. همان، ص ۷۸. *مَا اغْتَنَّم أَحَدٌ بِمِثْلِ مَا اغْتَنَّم بَعْضُ الْبَصِيرِ*. هیچ کس غنیمتی به چنگ نیاورده است پر فایده تر از غنیمتی که آدمی از راه فرو نهادن چشم ۱ به دست آورده است. ۲. منظور از فرو نهادن غصص بصر (بستن چشم نیست)؛ پایین آوردن چشم و کوتاه کردن نگاه است. ۲. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۴۱.

### ۳- آزردهی روانی

بسیاری از افراد با مشاهده صحنه‌های مهیج دچار آزردهی روانی می‌گردند. زمانی که فرد به هر علت با اخلاق و آداب انسانی و اصول مذهبی بیگانه باشد، مشاهده صحنه‌های هیجان‌انگیز، روح کام جویی و لذت‌طلبی اش را تحریک می‌کند، اما چون عوامل طبیعی و موانع اجتماعی از لذت بردن او جلوگیری می‌کند، احساس محرومیت و فشار روانی درونش را می‌گدازد. ز دست دیده و

دل هر دو فریاد هر آنچه دیده بیند، دل کند یاد بسازم خنجری نیشش ز فولاد زخم بر دیده تا دل گردد آزاد ۳ امام علی (علیه السلام) فرموده: مَنْ أَطْلَقَ طَرْفَهُ كَثُرَ أَسْفُهُ. آن که چشم خود را آزاد نهد، اندوهش بی پایان شود. ۴ و امام صادق (علیه السلام) فرمود: كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ قَصِيرَةٍ أُورِنَتْ حَشْرَةً طَوِيلَةً. بسا نگاهی کوتاه که حسرت دامنه داری در پی آورد. ۵ شخصی که نگاهش را مهار نکند، بی آن که پس از نگاه، بهره‌ای به چنگ آورده باشد، تنها حسرتی تلخ برایش خواهد ماند. ۳. با با طاهر ۴. غررا لحکم، ص ۲۶۰. ۵. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۴۰.

#### ۴- افسردگی

بیماری روانی دیگری که محصول چشم اندازی به مناظر شهوت انگیز است "افسردگی" است. این بیماری، نوعی حالت روانی است که فرد، نسبت به مسائل پیرامون خود بی تفاوت و کم اهمیت می شود. امروزه مردم آن را به اشتباه، همان بی حوصلگی تصور میکنند؛ در حالی که این دو با یکدیگر تفاوت دارند. افسردگی نوعی اختلال روانی است که گاه همانند فلج اعضا، که شخص را از حرکت باز می دارد، فرد را از هر حرکت و تصمیم باز می دارد و نسبت به همه چیز بی تفاوت میکند. چنین فردی از چیزهایی رنج می برد که نمی تواند منشأ آن را بشناسد. آن گاه که جوان پیوسته نظاره گر زیبایی های زنان باشد و هیجانش او را به ناکامی بیانجامد، غمی جان کاه او را به بیماری افسردگی دچار میکند که درمانش از خیلی بیماری های جسمی، سخت تر و طولانی تر است.

#### مردی و مردانگی

یکی از ارزشهای جوانان مردانگی است که عبارت از برخورداری از سجایای اخلاقی و رفتار کریمانه است همچون گذشت، سخاوت، خوش رفتاری و یک رنگی که در منابع اسلامی به عنوان مروت و جوانمردی از آن یاد شده است. مرد آن است که پای قولش بایستد. مرد آن است که در برابر بدی خوبی کند. مرد آن است که حرفش یکی باشد و هر روز یک جور حرف نزند. مرد آن است که بتواند خشم خود را کنترل کند. گر بر سر نفس خود امیری مردی بر کور و کر، ار نکته نگیری مردی مردی نبود فتاده را پای زدن گر دست فتاده ای بگیری مردی \* \* \* لاف سر پنجگی و دعوی مردی بگذار عاجز نفس فرومایه. چه مردی چه زنی گرت از دست بر آید دهنی شیرین کن مردی آن نیست که مستی بزنی بر دهنی "سعدی \* \* \* " اگر خود بر درد، پیشانی پیل نه مردست آن که در وی مردمی نیست \* \* \* در روز مصاف مرد بودن شرط است آغوش به موج خون گشودن شرط است \* \* \* گر به دولت برسی مست نگریدی مردی و به مکتت برسی مست نگریدی مردی \* \* \* مرد آن است که در کشاکش دهر سنگ زیرین آسیا باشد \* \* \* وقت خشم و وقت شهوت مرد کو طالب مردی چنینم کو به کو \* \* \* مردی و مردانگی آن است کز آنبای نوع تا توانی دستگیری و مددکاری کنی کینه و بغض هر چند بینی از کسان سینه را از کینه و بغض و حسد، عاری کنی خوی خوش با زشت خویان راستی با کجروان با بدان نیکی و با نایار ما یاری کنی " شایق هروی "

#### نشانه های جوانمردی

#### اشاره

جوانمردی به ادعا نیست بلکه مجموعه ای از صفات و رفتارهای سازنده است در اینجا برخی از نشانه هایی که در روایات برای جوانمردی مطرح شده است اشاره می شود.



**۱- عفو و گذشت**

جوانمرد کسی است که وقتی قدرت دارد و می‌تواند انتقام بگیرد عفو را پیشه خود سازد علی (علیه السلام) فرمود: الکریم اذا قَدَرَ صَفَحَ ۱ جوانمرد کسی است که وقتی قدرت یابد درگذرد. پیامبر بعد از فتح مکه همه دشمنان خود را آزاد کرد و فرمود بروید همه آزادید. ۲. ۱. غررالحکم، ج ۷، ص ۳۴۶. ۲. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۵۷.

**۲- بخشش بدون سؤال**

گاهی کسی از انسان چیزی می‌طلبد، انسان هم پاسخ می‌دهد ولی اخلاق جوانمردانه آن است که حفظ آبروی دیگران کنی و بیش از سؤالشان در رفع نیازشان بکوشی. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: الکریم مَنْ يَدَّءُ بِاحْسَانِهِ ۳۰ کریم کسی است که آغازگر نیکی باشد. ۳. میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۶۷.

**۳- پاسخ بدی به نیکی**

این رفتار نیز روحیه والا و عفوی بزرگ می‌خواهد که اگر دیگران بدی کردند و ناسزا گفتند و بی‌اعتنایی نمودند تو خوبی کنی و ادب و احترام نشان دهی و اگر قطع رابطه کردند تو قطع رابطه نکنی و پیوندها را نگه داری. علی (علیه السلام) فرمود: الکریم مَنْ جازَى الاسائه بالاحسان ۱ جوانمرد کسی است که بدی را با نیکی پاسخ دهد. آری در عفو لذتی است که در انتقام نیست. ۱. غررالحکم، حدیث ۶۲۹.

**۴- فریاد رسی**

از ویژگیهای جوان مردان فریاد رسی است جوان مردان در عرصه های خطر و نیاز نمی‌توانند بی تفاوت باشند در اینجا به دو نمونه از فریاد رسی جوان مردان اشاره میشود. ۱- خانه ای آتش گرفته بود پیر زنی در میان شعله های آتش به دام افتاده بود جوان غیرت مندی با دیدن صحنه، لباس یکی از همراهانش را خیس کرد و روی سرش کشید و به درون آتش رفت و پیر زن را از میان شعله های آتش بیرون کشید. ۲- پیر مردی که گرفتار زورگیر مهاجم شده بود و جان و مالش در معرض خطر بود با فریاد کمک خواهی او چند جوان غیرتمند به یاری او شتافتند. و فرد مهاجم را دستگیر نموده و به نیروی انتظامی تحویل دادند. ۳. واژه مخالف مردانگی بی مروتی و نامردی است، بی مروت کسی است که از خود پستی نشان می‌دهد و از گذشت و ایثار و انصاف بهره ای ندارد. مثلاً- برای مسائل کوچک و ناچیز زد و خورد میکنند و از کنار مسائل مهم مردم بی تفاوت میگذرد. ۲. جمهوری اسلامی، ۸/۳/۸۱. ۳. جام جم، ۲۰/۶/۸۱.

**جوانان و آزادی**

یکی از تمایلات سوزانی که با فرا رسیدن دوران جوانی بشدت نیرومند می‌شود آزادی بی قید و شرط است در نظر جوان سخن از منطق، قانون و مقررات، مصلحت بس نامطلوب است چیزی که مورد علاقه جوان است و با شور و شوق پی آن می‌رود ارضاء آزاد غرائز است. جوان میل دارد حدود و مقررات اجتماعی را نادیده انگارد و بر آداب و رسوم ها پشت پا بزند و در راه ارضاء تمایلات خویش از آزادیهای تند و بی حساب استفاده کند. بعلاوه جوانانی که تازه از حقارت دوران کودکی خلاص شده و از وابستگی به بزرگسالان آزاد گشته اند می‌خواهند با روشهای تند و افراطی خویش عکس العمل شدیدی در مقابل محدودیتهای دوران

کودکی نشان بدهند و حقارت گذشته خود را با سرعت و شدتی هر چه بیشتر جبران نمایند. و این کار در چهار چوبه آزادیهای عقلی و قانونی میسر نیست لذا در بعضی از مواقع از مرزهای آزادی عقلایی و حساب شده تجاوز میکنند. گرچه اقتضای جوان آزادی نامحدود و بی حساب است و جوانان طبعاً مایل به تندروی و افراطند ولی اعمال این تمایل، قطعاً به مصلحت آنان نیست جوانان اگر به زندگی خود علاقه دارند و خواهان خوشبختی و سعادت خویش هستند باید در اعمال غرایز از زیاده روی پرهیزند و گرنه نفس سرکش، آنان را به پرتگاههای خطرناک میکشاند.

## خلاصیت

یکی از مسائلی که باید مورد توجه عموم افراد جامعه بویژه نسل جوان قرار گیرد موضوع خلاصیت است که در تنگنای زندگی می تواند راهگشا باشد برخی از مردم با غفلت از این سرمایه در بحران های زندگی زانوی غم بغل می گیرند و دست از کار و تلاش میکشند. در حالی که می توان با خلاصیت و ابتکار در هر شرایطی برای خود کار ایجاد کرد حال سئوالی که مطرح است این است که چگونه می توان فردی خلاق بود. خلاصیت همیشه ذاتی نیست بلکه می توان به تناسب استعداد و شرایط خود آنرا کسب نمود برای بدست آوردن این ویژگی توجه به چند نکته لازم است. ۱- احساس نیاز و انگیزه کار زیرا تا چنین احساسی نباشد خلاصیت معنا پیدا نمیکند. ۲- اراده و جدیت برای داشتن کار. ۳- مطالعه زندگی افرادی که با خلاصیت زندگی خود را سر و سامان داده اند. چنین افرادی را می توان در هر سطحی و در هر شرایطی زندگی در میان هم سالان پیدا نمود.

## رسم رفاقت

### اشاره

بی شک استمرار دوستی ها در گرو پای بندی و التزام به قوانین و آدابی است در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود.

### ۱- پایداری بر تداوم رفاقت

از مهم ترین مسائل دوستی است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰی يُحِبُّ الْمُدَاوِمَةَ عَلٰی الْاِخْوَانِ الْقَدِیْمِ فَمَدَامُوا عَلَیْهِ خَدَاوَنَدِ پایداری بر رفاقت با دوستان قدیم را می پسندد، پس اینگونه رفاقت ها را تداوم بخشید. ۱ حضرت علی (علیه السلام) فرمود ناتوان ترین مردم کسی است که در دوست یابی ناتوان است و از او ناتوان تر آن کسی است که دوستان خود را از دست می دهد. ۲. ۱. کنز العمال، ج ۹، ص ۲۷. ۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۲.

### ۲- ابراز محبت به دوست

رکنی مهم در افزایش پیوند دوستی است پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر گاه یکی از شما برادرش را دوست داشته باشد باید به او اعلام کند، زیرا مایه بقای الفت و دوستی است. ۳. ۳. الحکم الزاهره، ص ۳۹۸.

### ۳- گشاده رویی

خوش رویی، خاطره انگیزترین و در عین حال کم خرج ترین ادب دوستی است که رعایت این ویژگی در برخورد با دوست امری شایسته است. علی (علیه السلام) فرمود: دوست خود را با رویی متبسم و گشاده دیدار کن. ۴۴. نهج البلاغه، حکمت ۳۳۳.

#### ۴- دستگیری

یاری دوست و سودمندی برای او به هنگام درماندگی شرط لازم رفاقت است دوست مشمار آن که در نعمت زند لاف یاری و برادر خوانده گی دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درمانده گی " سعدی " امام صادق فرمود: هرگاه فهمیدی دوست تو حاجتی دارد قبل از اینکه که بر زبان آورد آن را انجام بده و وی را ناگزیر مکن که انجام آن را از تو در خواست کند. ۱۱. کافی، ج ۲، ص ۱۶۹.

#### ۵- دوری از ستیزه جویی

علی (علیه السلام) فرمود: از مجادله، ستیزه جویی پرهیزید زیرا این دو، دل‌های برادران دینی را نسبت به یکدیگر مکدر میکند، بذر نفاق را پرورش می دهد. ۲۲. کافی، ج ۲، ص ۳۰۰.

#### ۶- نیک خواهی

دوست باید نسبت به دوست خود همچون خود بنگرد آنچه را برای خود می پسندد او نیز پسندد. علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) فرمود: پسر من خود را میان خویش و دیگری میزان قرار بده پس آنچه را برای خود دوست می داری برای غیر خود دوست مدار و آنچه را برای خود دوست نمی داری برای دیگران دوست مدار. ۱۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

#### ۷- آراستگی

علی فرمود: همان گونه که انسان برای افراد بیگانه خود را می آراید برای دوستان و برادران دینی نیز باید با بهترین وضع خود را آراسته سازد. ۲۲. کافی، ج ۶، ص ۴۳.

#### ۸- پرهیز از شوخی زیاد

شوخی زیاد و خارج از چهار چوب ادب و اخلاق هم از هیبت شخص می کاهد و هم ممکن است منجر به رنجیدگی یا دشمنی گردد.

### دوستی های نابجا

#### اشاره

دوستی و رفاقت، پاسخ به یک نیاز فطری و طبیعی جوان است که او را از تنهایی و بی پناهی خویش می رهانند. و در اسلام بسیار سفارش شده است اما از دوستی با برخی از افراد نهی شده است در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می شود.

#### ۱- دوستی با افراد بی وفا

علی (علیه السلام) فرمود: بدترین دوستان کسانی هستند که به هنگام نیاز به جدایی روی می آورند. ۱۱. شرّ الاخوان المواصل عند الرّخاء و المفاصل عند البلاء غرر الحکم حدیث ۹۵۸۲.

**۲- دوستی با افراد دروغگو**

امام باقر(علیه السلام) فرمود: از دوستی با دروغگو خودداری کن زیرا او مانند سراب می ماند نزدیک را دور و دور را نزدیک می کند. ۲۲. ایاک و مصادقه الکذاب فانه یقرب علیک البعید و یبعُد ان تَکونَ؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۳.

**۳- دوستی با افراد عیب جو**

علی (علیه السلام) فرمود: از هم نشینی با کسی که به دنبال عیب های مردم است خود داری کن زیرا همنشین آنان از آسیب در امان نمی ماند. ۳۳. ایاک و معاشره متبغی عیوب الناس فانه لم یسلم مصاحبهم منهم، غررالحکم، حدیث ۹۸۸۷.

**۴- دوستی با نادان**

علی (علیه السلام) فرمود: از دوستی با نادان خودداری کن چرا که او می خواهد به تو سود برساند زیان می رساند. ۴۴. ایاک و مصادقه الاحمق فانه یرید ان ینفعک فیضرک، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۳.

**۵- دوستی با افراد متملق**

علی (علیه السلام) فرمود: با متملق و چاپلوس دوست مباش زیرا او کارهای خود را برایت زینت می بخشد و دوست دارد تو همانند او باشی. ۱۱. لا تصحب المائق فانه یزین لک فعله و یودُ ان تَکونَ مثله؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۹۹.

**۶- دوستی با بدان**

علی (علیه السلام) فرمود: ان قرین السوء یضُرّ جلیسه. ۲. همنشین بد آسیب می رساند به همنشین اش. ترا آنر برگ گل هر چند دامن پاکتر باشد مشو با ناکسان همدم که صحبت را اثر باشد. ۲. مستدرک، ج ۳، ص ۳۴۴.

**۷- دوستی با گناهکار**

علی (علیه السلام) فرمود: آز دوستی با فاسق و فاجر و کسی که آشکارا معصیت می کند پرهیز. ۳. امام صادق (علیه السلام) فرمود: لا تصحب الفاجر فیتعلمک من فجوره باگناهکار مصاحبت نکن تاگناهایش را به تو آموزش ندهد. ۴. ۳. غررالحکم، ج ۴. ۹۸۸۳. ۴. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۱.

**۸- دوستی با افراد بدنام**

پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: هر کس با افراد بدنام هم نشینی کند بیش تر از همه سزاوار تهمت است. ۵. ۵. نهج الفصاحه، ص ۹۰، اولی الناس بالتهمة من جالس اهل التهمة.

**۹- دوستی با افراد پست**

امام صادق (علیه السلام) فرمود: ایاک و مخالطة السفلة ۱ از رفاقت با افراد پست و بی مایه پرهیز کن. ۱. اذا اردت ان تفعل امرًا فتدبر عاقبته فان کان خیراً فأمضه و ان کان شرّاً فأنسه، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۴۹.

## کنترل شهوت

کنترل غریزه شهوت به دو صورت ممکن است تحقق پذیرد. ۱- با وجود تحریکات مختلف انسان بخواهد با میل تحریک شده اش مقابله نماید و به سوی گناه نرود. چنین کاری به غایت دشوار است. ۲- پرهیز از صحنه‌ها و کارهایی که به تحریک این غریزه می‌انجامد. همچون موارد زیر: الف) پرهیز از فکر و ترسیم صحنه‌های محرک در ذهن و خیال ب) دوری از نگاهها و مناظر تحریک آمیز. قرآن در دو آیه‌ی متوالی دستور به اغماض و نگهداری چشم از نگاه حرام و هوس آلود داده است و می‌فرماید: به مؤمنان بگو دیدشان را از نامحرمان فرو نشانند. ۲ ج) اجتناب از گفتگوهای دوستانه و نشستهای غفلت‌زا و معاشرت با دوستان ناباب و گوش سپردن به سخنان تحریک آمیز. د) پرهیز از پرخوری و بی‌نظمی در خوردن. ه) اشتغال به ورزش و سرگرمیهای مفید. و) تلاوت قرآن و تفکر در مضامین آن. ۲. نور، آیه ۳۰.

## سنجیده عمل کردن

یکی از راههای موفقیت در زندگی این است که به هرکاری می‌خواهید دست بزنید منافع و زیانهای مادی و معنوی آن را با یکدیگر مقایسه کنید تا ببینید آیا واقعاً ارزش دارد که آن را انجام دهید یا خیر؟ کسانی که در زندگی خود این برنامه را در نظر داشته باشند علاوه بر اینکه از کارهای انجام شده خود اظهار ندامت و پشیمانی نمیکنند، بلکه همیشه از نتایج آنها مسرور و خوشحال هم خواهند بود چون کارشان کار حساب شده‌ای بوده است و کار حساب شده کمتر اتفاق می‌افتد که پشیمانی داشته باشد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: وقتی کاری را می‌خواهی انجام بدهی درباره نتیجه و سرانجام آن بیاندیش اگر نتیجه اش نیک است انجام بده و اگر بد است از انجام آن خودداری کن. ۱۱. رسول اکرم (ص)، نهج الفصاحه، ص ۳۳.

## از یأس و نومیدی پرهیزید

خداوند میان زندگی و امید پیوندی ناگسستنی برقرار فرموده است. این دو آنچنان با هم ارتباط دارند که هرگز بدون یکدیگر نتوانند بود. آنجا که امید هست زندگی هست و آنجا که امید نیست زندگی نیز وجود ندارد. آن پروانه که بر گرد شمع می‌چرخد و آن کرم که در اعماق زمین به تکاپو و جستجوی روزی است و آن مور ضعیف که با رنج و ناراحتی به لانه خویش آذوقه می‌برد همه و همه از خوان بی دریغ امید بهره مند هستند. انسان امیدوار، همه فشارهایی را که بر اثر برخی از ناکامیها بر روح و جسم وی وارد می‌شود کنار می‌زند و تمام سختی‌ها را به آسانی هضم میکند. بر خلاف شخص مأیوس و ناامید که روز به روز بر دردها و ناراحتی‌هایش افزوده میگردد و جز تاریکی، محرومیت و ناکامی و خلاصه بدبختی چیز دیگری در مقابل خود نمی‌بیند و چه بسا بر اثر نداشتن گنجایش روحی دست به انتهار می‌زند و نام خود را از دفتر زندگان حذف می‌نماید. از نظر قرآن یأس و نومیدی از رحمت خدا گناهی بس بزرگ معرفی شده است تا آنجا که خداوند آن را از صفات کافران می‌داند. ۱۱. سوره یوسف، آیه ۸۷.

## نمک شناس باشید

سعی کنید اگر کسی به شما خوبی کرد خوبی او را فراموش نکنید و تا آنجا که قدرت دارید آن را جبران کنید. البته جبران کردن شما تنها به این نیست که مثلاً اگر او یک قلم خودنویس به شما داد شما هم قلمی به همان قیمت به او بدهید. چون او با شما معامله نکرده است که فکر کنید چیزی گرفتید و چیزی به همان قیمت یا بیشتر به او دادید و مسأله خاتمه پذیرفت. نه، او هرگز با شما چنین معامله‌ای نکرده است، بلکه هنگامی که شما یک قلم از او به عنوان تحفه دریافت می‌دارید در حقیقت محبت و علاقه او را

دریافت داشته اید و این چیزی است که فقط باید با محبت و علاقه شما جبران شود نه با پول و ثروت. نمک شناسی و قدردانی در اسلام به قدری اهمیت دارد که در روایات آمده است هر کس در مقابل احسان مردم اظهار سپاسگذاری نکند از خداوند سپاسگذاری نکرده است. اصولاً انسان چه معتقد به دینی باشد چه نباشد، به حکم وجدان باید در مقابل نیکی هایی که دیگران به او میکنند سپاسگزار باشد ولی در عین حال احسان شخص نباید به خاطر آن باشد که دیگران از وی سپاسگزاری کنند. ۱۱. هل جزاء الاّ الاحسان، رحمن، آیه ۶۰؛ ترجمه: آیا سزای نیکی جز نیکی است.

### اسرار خود را به دیگران نگویند

شما اگر در زندگی خود اسراری دارید که نباید دیگران از آنها با خبر شوند، تا وقتی که مصلحتی ایجاب نکرده است آن را، حتی برای نزدیک ترین دوستان خود نقل نکنید. چون ممکن است یک روز رابطه شما با او تیره شود و کارتان به کینه توزی و انتقامجویی بکشد و آن وقت آنچه که شما از آشکار شدنش بیم دارید، آشکار شود. حتی گاهی ممکن است بدون آنکه رابطه شما با یکدیگر تیره شود نیز دچار همین سرنوشت شوید. مثلاً رفیق شما بر اثر سادگی نتواند رازتان را نگاه دارد و این راز به دست دیگران بیفتد. نشناخته را محرم هر راز مکن قفل دل خود بر همه کس باز مکن " جواد محدثی "

### منفی باف نباشید

برخی از مردم به منفی بافی عادت کرده اند. بدین معنی که همواره (چه در زندگی خود و چه در زندگی دیگران) جنبه های مثبت را نادیده میگیرند و در همه چیز، اظهار یأس و نومیدی میکنند. شما اگر کاری را که صد حسن داشته باشد به آنها ارائه دهید، آنان میکوشند که آن را به نحوی بی ارزش جلوه دهند و اصولاً از نظر آنان هیچ چیز در این جهان جنبه مثبت ندارد و یا اگر دارد فقط باید آن را با دیده بدبینی نگریست. منفی بافان، در زندگی همیشه اثر مخرب دارند و به همین جهت نه خود، روی خوشبختی و سعادت را می بینند و نه آنها که به سخنان یأس آور آنان گوش فرا می دهند. از نظر شخص منفی باف، جهان سراسر مصیبت است و هیچ نقطه روشنی در آن به چشم نمی خورد و لذا وقتی شما به او میگویید چرا به وضع زندگی خودت رسیدگی نمیکنی؟ در جواب یک سری از مصائب و ناراحتی هایی را که معمولاً زاییده فکر خودش است به رخ شما میکشد و سرانجام میگوید دنیایی که این چنین است من چرا برای آن اهمیت قائل شوم؟ به هر حال این طرز تفکر، نوعی بیماری روحی است که باید هر چه زودتر، انسان خود را از شرّ آن خلاص کند و راه رهایی از این بیماری آن است که قبل از قضاوت درباره هر موضوعی، راجع به آن زیاد بیندیشد و با در نظر گرفتن انصاف، معایب و محاسن آن را با یکدیگر مقایسه کند. و مطمئناً اگر مدتی این کار را ادامه دهد بتدریج حالت منفی بافی او از بین خواهد رفت.

### سعی کنید امروزتان از دیروز بهتر باشد

هر لحظه که از عمر ما میگذرد، یک گام به سوی مرگ، یعنی به پایان فرصتی که برای کسب کمالات انسانی داریم نزدیک می شویم و از طرفی باگذشت هر لحظه از زمان تجربه ای بر تجربیات ما افزوده میگردد. بنابراین برای آنکه از باقیمانده عمر خود حداکثر استفاده را بکنیم باید در خود شرایطی را به وجود آوریم که زندگی امروزمان بهتر از دیروزمان باشد. و اگر چنین نباشد برای ما که در زندگی، فرصت کوتاه و محدودی بیش نداریم زیان بسیار بزرگی است و مانند آن است که ما، در مسافتی بسیار طولانی، یک منزل از همسفران خود دور بمانیم و راهی را که آنها امروز طی کرده اند ما فردا طی کنیم (البته اگر فردایی برای ما باقی مانده باشد). این حال ماست اگر امروزمان بهتر از دیروزمان نباشد. اما وای بر ما اگر دیروز ما بهتر از امروزمان باشد که آن

وقت دیگر باید به حال ما گریست. چون علاوه بر آنکه راهی را که همسفران ما دیروز پیموده اند نپیموده ایم، یک منزل از جایگاه دیروز آنان نیز دورتر شده ایم.

### آیا در زندگی هدف مشخص دارید؟

داشتن هدف معین در زندگی یکی از بزرگترین عوامل موفقیت و کامیابی است چون وقتی انسان هدف معینی داشته باشد خواه ناخواه فعالیت خود را برای رسیدن به آن هدف در یک جهت متمرکز می نماید و در نتیجه به آنچه که واقعاً خواستار آن است دسترسی پیدا میکند. همه کسانی که در زندگی خود کارهای بزرگی کرده اند از آغاز، یک هدف معین را تعقیب میکرده اند و به طور کلی باید بگوییم این احتمال که کسی بدون داشتن هدف معین از روی اتفاق و تصادف به موفقیت بزرگی نائل آید آن قدر ضعیف است که اصلاً نباید آن را به حساب آورد.

### از پر حرفی بپرهیزید

مردم پر حرف، همیشه مورد تنفر دیگرانند. آنها همین که حرف زدن را شروع میکنند، به جای آنکه توجه شنونده گان را به سخنان خود جلب نمایند موجی از تنفر در دل آنان ایجاد میکنند. انسانهای پرگو معمولاً گنجینه سخنان پوچ و بی فایده هستند. چون برای آنکه رشته سخن را از دست ندهند ناگزیرند فکر نکرده و نسنجیده مطالبی را بر زبان آورند. به همین جهت است که شما پس از آنکه چند ساعت به سخنان یک پر حرف گوش دادید می بینید او بیشتر از چند دقیقه حرف حسابی نداشته است. البته کم گویی به صورتی که انسان مطالب ضروری زندگی را ناگفته بگذارد نیز، کار درستی نیست. بلکه باید در این مسأله نیز مانند همه مسائل دیگر جانب اعتدال رعایت شود تا هم حقایق بیان گردد، و هم شنونده بر اثر شنیدن لاطائلات از گوینده منزجر نشود.

### فرصتها را از دست ندهید

به احتمال قوی برای شما نیز در زندگی موقعی پیش آمده است که فرصتهای خوبی را از دست داده اید. راستی اگر انسان سعی کند از هر فرصتی که برایش پیش می آید استفاده کند چه موفقیت های شایانی به دست خواهد آورد؟ شاید تنها تفاوت دانشمندان بزرگ جهان با مردم دیگر این باشد که آنها فرصتها را غنیمت می شمردند، ولی مردم عادی فرصتهای موجود را از دست می دهند هشدار که جز تو رهزنی نیست تو را جر نفس پلید، دشمنی نیست تو را این دم که در آنی غنیمت می دار بگذشت، دگر آمدنی نیست تو را" از دیوان علامه حسن زاده "

### از پر خوری بپرهیزید

خوردن و آشامیدن برای ادامه زندگی انسان لازم است، ولی در عین حال همین که این کار از حدّ خود تجاوز نماید، نه تنها مفید نیست بلکه فاصله او را با مرگ نزدیکتر میکند. پر خوری علاوه بر زیانهایی که به بدن انسان وارد می سازد، فکر و روح او را نیز به ناراحتی های بزرگ دچار میکند و این بدان جهت است که بدن و روح در این جهان با یکدیگر ارتباط خیلی نزدیک دارند و در یکدیگر اثر متقابل میگذارند. وقتی که وضع مزاج انسان نامرتب شود در فکر او نیز اختلالاتی به وجود می آید ممکن است او را از هر نوع فعالیت فکری باز دارد.

### نصیحت پذیر باشید



به طور کلی انسانها ممکن است در برابر نصیحت دو نوع برخورد داشته باشند. یکی اینکه وقتی کسی آنها را نصیحت میکند آن را با جان و دل بپذیرند و از شخصی که آنها را نصیحت کرده است اظهار تشکر کنند این برخورد، انسانی و اسلامی است. اما برخورد دیگر به این گونه است که نه تنها اظهار تشکر نکنند، بلکه او را مورد اعتراض قرار دهند که اصولاً تو چه حقی داشتی که مرا نصیحت کنی؟ من خودم وظیفه خود را می دانم تازه اگر قرار بر نصیحت باشد، این من هستم که باید تو را نصیحت کنم نه اینکه تو مرا نصیحت کنی! خلاصه می بینی خودش را طلبکار هم می داند. این نوع برخورد که ناشی از خودخواهی و تکبر است، نشانگر این معنی است که او بر اثر غرور زیاد، کم کم استعداد تربیت پذیری خود را از دست داده است و اگر هر چه زودتر خود را اصلاح نکند در آتش جهل غرور آمیز خود خواهد سوخت. ۱۱. من خالف النصیح هلکک. (حضرت علی (ع)، غررالحکم، ج ۵، ص ۱۵۳.

### پشتکار داشته باشید

بسیاری از مردم با آنکه از نظر هوش و استعداد در شرایط خوبی هستند و در زندگی تلاش زیادی هم میکنند آنچنان که می خواهند به موفقیت نمی رسند. البته این عدم موفقیت ممکن است علل گوناگونی داشته باشد ولی غالباً به خاطر نداشتن پشتکار جدی است. همچنانکه بارها و بارها مشاهده شده است که برعکس گروه اول، افرادی فاقد استعداد و هوش خوب ولی دارای پشتکار قوی بوده اند که به خاطر پیگیری زیاد و تداوم تلاش بهترین موفقیت ها را به دست آورده اند و حتی خود را به درجه نبوغ رسانیده اند و این مسأله نشان می دهد که آدمی قادر است با نیروی پشتکار، بسیاری از ضعفها و ناتوانیها را جبران کند و از سوی دیگر چه بسا با نداشتن پشتکار، استعداد و هوش طبیعی خود را به صورت نیرویی پوچ و بی خاصیت در آورد. بنابراین همیشه این جمله را به خاطر داشته باشید که "موفقیت ها در سایه پشتکار تحقق می یابند."

### از دیگران بی نیاز باشید

برخی از مردم دارای طبعی بلند هستند و همیشه سعی میکنند که اگر هم به چیزی نیاز داشته باشند خود را نسبت به آن بی نیاز معرفی کنند و حال آنکه در مقابل اینها به افراد زیادی هم برمی خوریم که با وجود برخورداری از امکانات رفاهی و مالی دست نیاز به سوی این و آن دراز میکنند که شاید به امکانات بیشتری برسند. چنین کسانی معمولاً در معرض کارهای خلاف قرار میگیرند، چون وقتی انسان نتواند خود را بی نیاز احساس کند، دیگران براحتی می توانند دین و شخصیت او را بخرند و معلوم است که وقتی انسان خریده شد دیگر انتظار افتادن در هر گناهی از او می رود و حال آنکه انسانهای گروه اول، همچون سدی محکم در برابر حوادث گوناگون قرار میگیرند و هیچکس را قدرت خرید شخصیت والای آنها نیست. ۱۱. از مردم بی نیاز باشید و از آنها یک قطعه چوب مسواک هم نخواهید؛ رسول اکرم (ص)، نهج الفصاحه، شماره ۲۸۳.

### آبروی مردم را حفظ کنید

حتماً بارها شنیده اید و شاید هم با چشم خود دیده اید که افرادی برای حفظ آبروی یک فرد یا یک خانواده دست به اقدامات بزرگ و ایثار گرانه ای زده اند، به گونه ای که گاهی به استقبال خطرات بزرگی هم رفته اند و سرانجام نگذاشته اند آبروی آنها نزد مردم برود و از طرف دیگر، کسانی را می بینیم که برای برخی از مسائل کم اهمیت و حتی بی اهمیت، آبرو و حیثیت دیگران را می ریزند و گاهی این آبرو ریزی به قدری سنگین است که طرف ناگزیر است شهر و دیار خود را ترک کند و به جایی که او را نمی شناسند پناه برد. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هرکس بر علیه مؤمنی چیزی را نقل کند که بخواهد آبرو و اعتبار اجتماعی او را خدشه دار کرده و از چشم مردم بیندازد خداوند او را از ولایت خودش خارج می سازد و در ولایت شیطان قرار می



دهد. ۱۱. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۲۶.

### تا آنجا که می‌توانید خود را بدهکار نکنید

تردیدی نیست که بسیاری از اوقات ممکن است انسان به کسانی بدهکاری داشته باشد که طبعاً در کوتاه مدت یا زمانی نسبتاً طولانی بدهی خود را بازپرداخت میکند و این مسئله طبیعی است ولی باید قبول کرد که برخی از مردم در این رابطه پای خود را از گلیم خود فراتر میگذارند و در بسیاری از اوقات که قرض گرفتن ضروری نیست، زیر بار بدهی و قرض می‌روند و حال آنکه در برابر این گونه از افراد، کسانی هم هستند که همیشه سعی می‌کنند که حتی در مواردی که قرض کردن لازم است نیز به دیگران بدهکار نشود. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: از قرض بپرهیزید که غم شب و ذلت روز است. چون انسانی که خود را به دیگران بدهکار میدانند همواره در این فکر است که چه وقت باید بدهی خود را بپردازد و در صورت نرسیدن پول، جواب طلبکار را چگونه باید بدهد. ۱۱. ایاکم والدین فانه هم بالیل و مذله فی النهار. نهج الفصاحه، شماره ۹۹۰.

### با افراد مورد اتهام نشینید

برخی از انسانها از نظر اخلاقی و مذهبی انسانهای خوبی هستند ولی با افرادی معاشرت دارند که مورد اتهامات اخلاقی می‌باشند. چنین کسانی چه بخواهند و چه نخواهند باید در انتظار روزی که مورد اتهام قرار بگیرند باشند چون مردم غالباً انسان را به وسیله کسانی می‌شناسند که با او معاشر هستند و این بدان جهت است که فکر میکنند اگر این شخص با آنها هم فکر نبود با آنان این گونه نشست و برخاست نداشت. بنابراین باید گفت قضاوت مردم چندان هم بی اساس نیست مخصوصاً اگر این معاشرتها تداوم دار و چشمگیر باشد.

### تنبلی را کنار بگذارید

یکی از بزرگترین عوامل بدبختی انسانها تنبلی است و این عامل در طول تاریخ آن قدر قربانی گرفته است که قابل محاسبه نیست. حتماً شما هم بسیاری از انسانهای با استعداد را می‌شناسید که اگر بخواهند در فنون مختلف فعالیت کنند می‌توانند به بهترین موفقیت‌ها نائل گردند ولی نه تنها موفقیتی ندارند که برعکس حتی به قدر کم استعدادترین انسان‌ها هم کاری از پیش نبرده‌اند. اینها همان تنبل‌های تاریخ‌اند که با دست خود و به خاطر تن‌پروری و خودداری از به کار بردن استعدادهای خویش به صورت موجوداتی عاطل و باطل درآمده‌اند و بدتر از همه، اینکه در این جریان، تمام آن استعدادهای خود را هم که یک روز می‌توانست سرمایه خوشبختی آنها باشد، از بین بردند که اگر فرضاً بخواهند مجدداً فعالیت کنند دیگر فایده‌ای ندارد. هر چند که بخت خفته بیدار شود اقبال رفیق و همدم و یار شود آن کس که به درد تنبلی تن در داد بی بهره بود مگر که هشیار شود

### بزرگسالان خود را محترم بشمارید

یکی از آداب خوبی که باید همیشه مورد توجه قرار گیرد، احترام به بزرگسالان است. هرگز نباید فراموش کنیم که بسیاری از آموخته‌هایی که ما داریم، به وسیله همان کسانی که امروز آنها را بزرگسال می‌نامیم به دست ما رسیده است. آنها در طول زندگانی نسبتاً طولانی خود و بعد از تحمل مشکلات زیاد، زمینه زندگی کنونی ما را فراهم آوردند. بنابراین خیلی بی‌انصافی است که نسبت به آنها بی‌تفاوت باشیم و از آن همه لطف و صفای خالصانه آنها هیچ‌نگوییم و آنها را به حال خود بگذاریم که این ناسپاسی بزرگی است که نه خدا آن را می‌پسندد و نه وجدان. فطرت آدمی به او چنین حقی را میدهد، ولی متأسفانه بسیاری از

اوقات دیده می شود که افرادی بزرگان خود را نه تنها احترام نمیکنند، بلکه مورد اهانت هم قرار می دهند.

### مبادا مردم از زبانتان بترسند

خداوند نعمت های گوناگونی در اختیار انسان قرار داده است که بتواند با استفاده از آن نعمت ها به سود خود و دیگران استفاده کند؛ ولی متأسفانه بسیاری از مردم یا از آن نعمت ها استفاده نمیکنند و یا آنها را وسیله سوء استفاده قرار می دهند یکی از آن نعمت ها زبان است که می توانند به وسیله آن نیازهای خود را بیان کنند و در مسیر علم و دانش، گامهای بلندی بردارند. به هر حال همان طور که اشاره شد گاهی این نعمت بزرگ مورد سوء استفاده برخی از سوء استفاده گران قرار میگیرد که یکی از آن موارد جایی است که این افراد، زبان خود را وسیله ترسانیدن و متهم کردن دیگران قرار دهند و شرایطی به وجود آورند که از ترس متهم شدن و مورد دشنام قرار گرفتن کسی جرأت نکند کار مفیدی را که با نظر آنها منطبق نیست انجام دهد و یا عقیده ای را که مورد قبول آنان نمی باشد ابراز نماید و خدا می داند که در طول تاریخ چه قدر از این راه جلو بیان حقایق گرفته شده است و چه انسانهایی در این راه مورد اتهام قرار گرفته اند. ۱۱. مَنْ خَافَ النَّاسَ لِسَانَهُ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ. رسول اکرم (ص)، نهج الفصاحه، شماره ۳۰۴۹. هر که مردم از زبانش بترسد اهل جهنم است.

### روزی چند آیه قرآن بخوانید

قرآن یک کتاب آسمانی است و از سوی پروردگار بر پیامبر اسلام نازل گردیده است وضع این کتاب بزرگ به گونه ای است که به آدمی حیات می بخشد. تکرار الفاظ اعجاز آمیز آن نیز بسیاری از دلهای مرده را صفا می دهد به گونه ای که خواننده آن، خود را در حالتی روحانی احساس میکند و چه بسیار بوده اند کسانی که با شنیدن چند آیه از این کتاب عظیم یکباره منقلب شده و به خود آمده و بر غفلت ها و بی خبری های گذشته افسوس خورده اند. لذا بسیار مناسب است که هر روز چند آیه از قرآن بخوانیم.

### مبادا تارک الصلوة باشید

یکی از بزرگترین گناهای که ممکن است برخی از مردم مرتکب شوند، این است که نماز را که خداوند برای تربیت و تکامل روحی انسانها قرار داده است بجا نمی آورند و حال اینکه چه بسا خود را مسلمان هم معرفی میکنند و گاهی هم که به آنها گفته می شود چرا نماز نمی خوانید؟ در جواب میگویند مگر خداوند احتیاج به نماز من و شما دارد؟ این افراد، خودشان می دانند که خدایی که آفریدگار جهان است و هستی همه موجودات تحت اراده اوست نیاز به چیزی ندارد. ۱ و این ما هستیم که در پرتو عبادت و بندگی می توانیم خود را از لغزشها و گناهان حفظ کنیم. ۱. نهج البلاغه، خطبه همام ۱۸۳.

### با کسی قهر نکنید

به طور کلی معاشرت انسانها با یکدیگر باید به گونه ای باشد که همیشه در صلح و صفا با هم زندگی کنند ولی از آنجا که بسیاری از انسانها بر اثر پیروی از شهوات نفسانی با یکدیگر اختلاف پیدا میکنند و کارشان به جنگ و جدال میکشد، خواه ناخواه ممکن است برخی از آنها با برخی دیگر قهر کنند. البته گاهی از اوقات ممکن است آن شخصی که اقدام به قهر کرده است عذر موجهی داشته باشد و گاهی هم ممکن است دارای چنین عذری نباشد. ولی به هر حال آنچه که به صلاح هر دو طرف است این است که این حالت قهر بودن را ادامه ندهند چون تداوم این وضع، نه تنها مشکل آنان را حل نمیکند بلکه هر چه زمان بیشتری بگذرد اولاً اختلاف این دو با یکدیگر بیشتر می شود و نسبت به هم کینه زیادتری پیدا میکنند ثانیاً احتمال موفقیت در حل اختلاف، ضعیف تر

میشود، بنابراین بهتر است هر کدام از این دو طرف تلاش کنند که اختلافشان را با داوری شخص ثالثی حل نمایند که هم از گسترش بیشتر اختلاف جلوگیری شود و هم بیش از این از یکدیگر جدا نباشند. ۱. لا هجره فوق ثلاث. کافی، ج ۲، ص ۳۴۴.

### هر لحظه رنگ عوض نکنید

برخی از مردم روی هیچ فکر و عقیده ای ثبات ندارند و هر روز رنگ جدیدی به خود میگیرند البته این گونه از افراد در یک تصمیم بندی به دو دسته تقسیم می شوند برخی از آنها از روی نقشه های فریبکارانه دست به این کار می زنند و برای رسیدن به یک سلسله مقاصد خاص، خود را به رنگهای مختلف در می آورند که حسابشان روشن است. برخی دیگر از روی بی اراده گی و نداشتن قدرت تصمیم گیری رنگ عوض میکنند بدون شک چنین کسانی باید به تقویت اراده خود پردازند و گرنه همیشه اسیر این روش خواهند بود. ۲. من اماراه الاحمق كثرة تلونه. (غررالحکم، حدیث ۱۲۴۳). یکی از نشانه های نادانی انسان چند رنگ بودن اوست.

### به همه اظهار دوستی ها اعتماد نکنید

بسیاری از اشخاص وقتی به انسان می رسند آنچنان اظهار دوستی میکنند که انسان تصور میکند که این اظهارات از عمق دل آنها سرچشمه میگیرد و به همین جهت بارها دیده می شود که افرادی به شدت تحت تأثیر این اظهارات، قرار میگیرند و چنین تصور میکنند که برای همیشه از یارانی پایدار برخوردار خواهند بود در صورتی که آنها توجه ندارند که این گونه اظهار دوستی ها غالباً عمری بسیار کوتاه دارد و شاید همان شخصی که تا یک ساعت قبل نسبت به آنها بزرگترین اظهار، ارادتها را داشت اکنون به خاطر برخی از مسائل واهی نه تنها به آنها چنین اظهاراتی نمیکند، بلکه برعکس، سخت ترین دشمنی ها را اظهار می دارد و این مسأله ای است که شاید هر روز هزاران بار در جهان تکرار می شود بنابراین هرگز نباید به این گونه اظهار دوستی ها تکیه کرد.

### هرگز برای دیگران چاه نکنید

اگر نمی خواهید که در چاه دیگران بیفتید هیچ وقت برای دیگران چاه نکنید. همان طور که می دانید در این جهان کسانی هستند که بر اثر بدآموزیها و نیز احساس حسادت و داشتن برخی از عقده ها همواره تلاش میکنند که در راه زندگی دیگران مشکلاتی به وجود آورند و این یکی از پلیدترین صفات اخلاقی است. این افراد، ممکن است بدون هیچ نوع سابقه ی دشمنی با دیگران و فقط به خاطر لذت بردن از این عمل غیر انسانی دست به آن بزنند. تردیدی نیست که این عادت پلید، بدون مقدمه و به صورت اجباری در آنها به وجود نیامده است. بلکه زاییده برخی از بدکاریهایی است که بتدریج انجام می داده اند، و بدون شک اگر هر چه زودتر به اصلاح درون خود پردازند کارشان به جای خطرناکی خواهد رسید. ۱. من حفر لاختیه المؤمن بشراً وقع فیها. (حضرت علی (ع) غررالحکم، ج ۵، ص ۳۶۹. هر کس برای برادر مؤمن خود چاهی بکند خود در آن خواهد افتاد.

### تندی با مادر!

ابراهیم مهزم میگوید: در خانه بین من و مادرم بگومگو شد و نسبت به مادرم درشتی کردم. فردای آن روز پس از نماز صبح به محضر امام صادق (علیه السلام) رفتم. هنوز سخن نگفته بودم که امام به من فرمود: ای مهزم، چرا به مادرت سخن درشتی گفتی؟ آیا نمی دانی که رجم او منزل سکونت تو بود و دامنش گهواره نوازشگر تو بود و پستانش ظرفی بود که از آن شیر می نوشیدی؟ ۲. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۶.

## هشدار به جوان

ای همه تاریخ مدیونت جوان وی همیشه عشق ممنونت جوان با تو هستم ای جوان مهربان با تو هستم ای مسلمان جوان پای تا سر چشم باش و گوش باش فتنه دورت را گرفته هوش باش با خبر از راه و صدها چاه باش دور تا دورت پر از اهریمن است

### اراده

### اشاره

امتیاز انسان بر حیوان به عقل و اراده است البته حیوانات هم دارای اراده هستند. اما نیروی اراده آنها کور و ناخود آگاه است و اراده انسان بر خواسته از قوه تعقل است و لذا انسان می تواند در عالم حیات چهره زندگی خود را با میل خود عوض کند و خود را از جهل به علم، از فساد به صلاح و از فقر به غنا برساند. اراده انسان حکم باطری را دارد و بدون آن انسان نمی تواند در هیچ کاری تحرّکی داشته باشد. مردان بزرگ جهان با اراده قوی به آن عظمت و کمال رسیده اند و انبیا نیز در سایه اراده آهنین توانسته اند به جنگ بت پرستی بروند و پرچم توحید را در میان ملتها به اهتزاز در بیاورند.

### اراده چیست

اراده به معنای خواسته و قصد ۱ خواستن، طلب کردن آمده است. ۲. دهخدا، ج ۵/۱۶۰۵. ۲. فرهنگ عمید، ص ۱۰۳.

### نشانه های سستی اراده

### الف: تسویف

یکی از نشانه های ضعف اراده کار امروز را به فردا و فرداها انداختن است که در اصطلاح به آن تسویف میگویند. پیامبر فرمود: یا اباذر ایاک و التّسویف بامّلیک فانّک بیومک و لست بما بعده. ۳ ای اباذر پرهیز از تسویف، به تأخیر انداختن آرزوها زیرا تو مربوط به امروزت هستی نه روزهای دیگر. ۳. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۸۸. علی (علیه السلام) فرمود: فتدارک ما بقی من عمرك ولا تقل غداً و بعد غدٍ فانما هلك من کان قبلک باقامتهم علی الامانی و التّسویف. ۱ از باقیمانده عمرت کاستی ها را جبران نما، به فردا و فرداها وامگذار زیرا قبل تو بسیاری هلاک شدند به خاطر تکیه بر آرزوها و دل بستن به فردا، فرداها. سعدیا دی رفت و فردا همچنان معلوم نیست در میان این و آن فرصت شما امروز را ۱. همان مدرک.

### ب: دهن بینی

سست اراده گان بنیاد زندگی خویش را به سخن مردم استوار می سازند و چون گفتار مردم هرگز ثبات ندارد زندگی این گروه نیز ثبات ندارد زیرا کل روز به پیشنهاد تازه گوش می سپارند و در مسیر تازه جای میگیرند.

### راههای تقویت اراده

۱. برای تقویت اراده باید علل و عوامل ضعف اراده خویش را بشناسید ضعف اراده غالباً در عدم اعتماد به بینش و تفکر، عدم

شناخت خویش، با ارزش تلقی نکردن خود، عدم امنیت روانی، عدم تشخیص اهم و مهم، شکست های گذشته و عوامل باز دارنده رشد و قوت نفس مانند محرومیت، سرزنش و رنج های مستمر ریشه دارد. ۲. باید باور کنید چون دیگر انسانها از توانمندی های بسیار برخوردارید و از دیگران کمتر نیستید فراموش نکنید نقاط قوت انسان از نقاط ضعفش بیشتر است و نباید خود را دست کم بگیرید. تصمیم خوب در پرتو تکیه بر قوت ها، جبران ضعف ها، و احساس توانمندی شکل میگیرد. ۳. پس از مشورت با افراد ذی صلاح با توجه به امکانات و توانمندی های واقعی خود، برای زندگی تان برنامه ریزی کنید و اوقات استراحت و تفریح و عبادت و همه فعالیت ها را در این برنامه بگنجانید تا زمانی، خالی نماند و توجه به فرصت بیکاری شما را سمت تأخیر انداختن کارها سوق ندهد. ۴. بکوشید برای هر رفتاری انگیزه ای قوی داشته باشید و از آثار مثبت تصمیم گیری ها و رفتارهای خاص خویش به طور کامل آگاه شوید. هنگامی که انسان به منافع یا ضررهای کاری توجه می کند انگیزه او برای انجام یا ترک آن بیشتر می شود و طبعاً اراده او نیز قوی میگردد. ۵. محیط زندگی و موقعیت کاری خود را تغییر دهید و موانع بروز اراده و فعالیت را نابود سازید، برای مثال در موقعیتی که به سرزنش و متهم شدن به ناتوانی و ناپختگی می انجامد، قرار نگیرید. برای تصمیم گیری ها و اقدامات خویش امنیت روانی فراهم آورید تا بتوانید به آرامی در برابر دیگران ابراز وجود کنید و برجستگی فکری و فعالیت به جا را از طریق تصمیم آشکار سازید. ۶. هر کاری را آسان تلقی کنید؛ زیرا در برابر اراده پولادین انسان همه سختی ها آسان میگردد. به استقبال کارهای به ظاهر دشوار بروید و به خود تلقین کنید می توانید در این امور درست تصمیم بگیرید و افتخار موفقیت در انجام آنها را به دست آورید. ۷. مدتی برنامه ریزی و تصمیمات خود را با فردی ذی صلاح در میان بگذارید و از وی بخواهید مراقب باشد تا در شما دو دلی پیش نیاید و اجرای تصمیمات خویش را به تأخیر نیندازید. ۸. از خواب زیاد، پر خوری و دیگر اسباب تنبلی و سستی اراده پرهیزید و نگذارید دیگران به جای شما تصمیم بگیرند. ۹. با کسانی که روحیه و اراده قوی دارند، دوست شوید تا اراده شما نیز قوی گردد. ۱۰. یکی از عوامل تقویت اراده تکالیف و وظایفی است که هر مکتب و مرامی بر عهده پیروانشان گذارده و این تکالیف افراد را متعهد بار می آورد و در آنها نوعی عادت ریشه دار به رعایت اصول و ضوابط درست زندگی پدید می آورد که پشتوانه ارزنده ای برای اراده آنها است. شهید مطهری (ره) می فرماید: پایبندی به هر یک از عبادات همچون نماز، روزه، و... به نوعی به تقویت اراده کمک می کند. ۱۱. تصمیمات به جا و پر ارزش گذشته خود را به یاد آورید و توجه کنید که چون گذشته برای انجام دادن کارهای مهم آمادگی دارید. ۱۲. در تصمیم ها و فعالیت های اسوه ها و افراد با اراده دقت کنید، در همسان سازی و الگوپذیری جدی باشید تا جرأت انجام کار یابید و توان تصمیم گیری و اجرا در شما تقویت شود. ۱۳. ورزش مستمر و منظم را که در تقویت اراده بسیار مؤثر است، فراموش نکنید. ۱. تعلیم و تربیت شهید مطهری. ص ۱۹۱. ۱۴. با تصمیم های آسان در کارهای ساده، به تدریج خود باوری و توانمندی را در خویش پدید آورید و راه را برای تصمیم گیری در امور مشکل و پیچیده هموار سازید. ۱۵. در موضوع مورد نظر تمرکز پیدا کنید و از اشتغالات ذهنی متعدد پرهیزید تا تصمیم گیری آسان تر صورت پذیرد. در اینجا به چند نمونه از مردان با اراده اشاره می نمایم: ۱- یک جوان بسیجی که جفت پایش قطع شده بود با پای مصنوعی و عصا کوهنوردی میکرد و از تخته سنگ های کوه بالا می رفت او با آن شرایطی که داشت شنا میکرد و فوتبال بازی میکرد. و در این راستا زندگی بسیاری از معلولان و جانبازان که با نقص عضو توانسته اند در عرصه های علمی، ورزشی، هنری و... افتخاراتی را برای خود و کشور کسب کنند بسیار الهام بخش است. ۲- پیرمرد ۹۰ ساله ای در کنکور شرکت کرد و قبول شد. ۳- یک معلم کالیفرنایی که راجع به وزنش نگران شده بود یک لباسی خرید که دو سایز برایش کوچک بود و تصمیم گرفت حدود ۷ کیلو وزن کم کند تا بتواند آن لباس را سه ماه بعد بپوشد او دقیقاً به موقع به هدف اش رسید. ۴- زنی فاصله ۳۲ کیلومتری کانالی بین انگلیس و فرانسه را با شنا طی میکرد. ۵- ۱۲. اطلاعات علمی، سال ۹، ش ۲، ص ۴۴. ۲. روزنامه خمه‌وری اسلامی، سال ۷۳. ۵- یک کوهنورد نابینای هندی یک قله بلند را فتح کرد. ۶- خوزه مانوئل جوان ۲۲ ساله کاراته کار اسپانیایی که در مسابقات سال

۱۹۸۲ در بروکسل یک انگشت اش شکسته بود او با همان انگشت شکسته با اراده آهنین حریف را شکست داد. ۷۲- یک پیرمرد ۷۷ ساله چینی و مادر ۱۰۱ ساله اش مسافت بیش از هیجده هزار کیلومتری را با سه چرخه طی کردند. ۳. ۱. کیهان ورزشی، ش ۱۶۳۱، ص ۱۸. ۲. کیهان ورزشی، ش ۱۷۰۹، ص ۱۲. ۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۸/۱/۸۱.

## بخش سوم: سفارشها

### سفارشهای معصومان

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: یا شَابَ تَزَوَّجْ و ایاک و الزَّنا فَانَّهُ یَنزِعُ الْایمانَ مِنْ قَلْبِکَ ۱ ای جوان ازدواج کن و از فحشاء و زنا دوری کن، زیرا این کار ایمان را از قلبت جدا می کند. علی (علیه السلام) فرمودند: یا مَعَشَرَ الْفِتیانِ حَصُوا اعراضَ کُم بِالادب و دینکم بالعلم ۲ ای گروه جوانان شرف انسانی و سجایای اخلاقی خود را با ادب آموزی و تربیت حفظ نمایید و دین خود را با نیروی دانش از دست برد ناپاکان حفظ کنید. علی (علیه السلام) فرمودند: اوصیک یا بنی بالصلاة عند وقتها ۳ فرزندم تو را به نماز اول وقت سفارش میکنم. ۱. مکارم الخلاق، ص ۹۹. ۲. جوان فلسفی، ج ۱، ص ۱۹۴. ۳. بحار الانوار، جلد ۸۳/۱۴. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: پسر من بدان محبوبترین چیزی که از میان گفته‌هایم به آن تمسک می جویی تقوای الهی است. ۱ و نیز فرمود: بزرگوارتر از آن باش که به پستی تن دهی هر چند تو را به مقصود برساند. ۲. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: ای فرزند گرامی هیچ گناهکاری را از رحمت خدا مأیوس منما چه بسا اشخاصی که اهل گناه بودند و با حسن عاقبت از دنیا رفتند و چه بسا انسانهای خوب و درستکاری که در آخر عمرشان به فسق و فجور افتادند و با ذلت و خواری از دنیا رفتند. ۳. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: پسر من اندر زهای حکیمان را بپذیر و در او امر آنان دقت و تدبر کن و به آنچه که به مردم امر میکنی خود بیشتر از آنان پای بند باش و بدان عمل نما و از آنچه که مردم را مهمان نهی میکنی خود را بیشتر از همگان از آن دور کن. ۴. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: با مردان آزموده و صاحب تجربه، همنشین باش، زیرا آنان متاع پر ارج تجربه‌های خود را به گرانترین بها (فناکردن عمر خویش) به دست آورده اند. و تو آن متاع گران قدر را با ارزانترین قیمت (صرف چند دقیقه وقت) می توانی به کف آوری. ۵. از وصایای علی در بستر مرگ به فرزندش حضرت مجتبی این بود که فرزندم در امر معیشت، میانه رو باش و بر تو باد در امر عبادت به اندازه ای ۱. یا بنی ان احب ما انت آخذ به من وصیتی تقوی الله. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۷۰؛ نهج البلاغه، نامه ۳۱. ۲. اکرم نفعک عن کلّ دنیة و ان ساقطک الی الرغائب، نهج البلاغه، نامه ۳۱. ۳. تحف العقول ص ۹۱. ۴. نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۰۵. ۵. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۴. عمل کنی که همیشه توان انجام آن را داشته باشی. ۱. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: یا بنی لاینال شفاعت لنا من استخف بالصلوة. ۲. فرزندم شفاعت ما نمی رسد به کسی که نمازش را سبک می شمارد. امام موسی کاظم (علیه السلام). به فرزندش فرمود: یا بنی ایاک ان یراک الله فی معصیه نهاک عنها و ایاک ان یفقدک عند طاعة امرک بها و علیک بالجد ۳ ای فرزندم مبادا خداوند تو را در معصیتی که از آن نهی کرده ببیند، مبادا خداوند در طاعتی که بدان امر فرموده نبیند، بر تو باد تلاش، کوشش. ۱. سفینة البحار، ج ۲، ص ۴۳۱. ۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۶. ۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۹۲.

### گزیده ای از نصایح لقمان در قرآن

فرزند عزیزم نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر بکن و در این راه هر مشقت و زحمتی را تحمل نما که این کار مهم شایستگی آن را دارد که با عزم و تصمیم قاطع آن را به انجام برسانی فرزند عزیزم از روی تکبر و بلند پروازی چهره از مردم برنگردان و در روی زمین با تکبر راه مرو که خداوند هیچ حيله گر و فخر فروشی را دوست نمی دارد. فرزند عزیزم رفتار خود را در



زندگی بر اساس اعتدال و میانه روی قرار بده و در موقع حرف زدن صدای خود را ملایم و توأم با ادب ظاهر کن. ۴۴. لقمان ۱۲ الی ۱۹. پسر! بکوش تا امروزت از دیروز و فردایت بهتر از امروز باشد، برآستی که هر کس دو روزش با هم مساوی باشد و زیانکار است و هر کس امروزش از دیروزش بدتر باشد مطرود است و از رحمت خدا دور است. ۱. پسر! از کسب حلال برای از بیان بردن فقر یاری بجو؛ چون هیچکس به فقر مبتلا نشده مگر اینکه سه خصلت بر او روی آورد. رقت در دین، ضعف در عقل و رفتن مروت. و مهمتر از همه اینها خفیف شدن پیش مردم است. ۲. لقمان به فرزندش فرمود: یا بُنِیَّ اِبْدَأُ النَّاسَ بِالسَّلَامِ وَالمَصَافِحَةَ قَبْلَ الْکَلَامِ ۳ فرزندم در برخورد مردم سخت را با سلام آغاز کن، در دست دادن قبل از گفتگو پیشقدم شو. علی (علیه السلام) فرمود: اِنْ کُنْتُمْ لِلنَّجَاةِ طَالِبِیْنَ فَارْفُضُوا الْغَفْلَةَ وَ اللّٰهُو الزَّمُو الْجَهَادَ وَالتَّجِدَّ. اگر طالب سعادت، خوشبختی هستی غفلت و لهو را رها نموده، همواره تلاش و کوشش نمایند. ۴. لقمان به فرزندش می فرماید: فرزندم! بدان که من به خدمت چهار صد پیامبر رسیدم و از سخنان آنها چهار جمله گزینش کردم. ۱. پنجاهای پدران به فرزندان، محد راجی ۰ ص ۴۳۶. ۲. محجة البیضاء، ج ۳، ص ۱۴۴. ۳. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۲۹. ۴. غرر الحکم، حدیث ۲۶۶. هر گاه در حال نماز بودی دلت را حفظ کن هر گاه بر سر سفره ای بودی گلویت را حفظ کن هر گاه در خانه کسی رفتی چشمانت را حفظ کن هر گاه در بین مردم بودی زبانت را حفظ کن. ۱. لقمان به فرزندش می فرماید: فرزندم مبادا بی قرار، بداخلاق و کم حوصله باشی زیرا با داشتن این خصلتها هیچ دوستی برایت باقی نمی ماند. ۲. لقمان می فرماید: فرزندم! از قرض گرفتن پرهیز که از بدهی اندوهگین می شوی. ۳. لقمان به فرزندش می فرماید: یا بُنِیَّ اِذَا قُتِرَتْ فَلَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِفَقْرِكَ فَتَهُونَ عَلَيْهِمْ وَ لکن اسأل الله من فضله ۴ فرزندم هر گاه نیازمند شدی مردم را از آن آگاه مکن چرا که نزد آنان بی ارزش می شوی. بلکه از دریای برکت خدا بخواه. لقمان به فرزندش می فرماید: فرزندم با بزرگان به مشورت پرداز و از مشاوره با کم سالان شرم مکن. ۵. یا بُنِیَّ اعلم انی نخدمت اربعمائه نبی و اُخِذْتُ مِنْ کَلَامِهِمْ اربع کلمات وهی اذا کنت فی الصلوة فاحفظ قلبک. و اذا کنت علی المائدة فاحفظ و حلقک و اذا کنت بَیْنَ الخلق فاحفظ لسانک...؛ مواظب العدیدیه. ۲. یا بُنِیَّ ایاک والضجر و سوء الخلق و قلة الصبر فلا- یتستقیم علی هذه الخصال صاحب، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۱۹. ۳. یا بُنِیَّ ایاک ان تستدین فتحنن من الدین، اختصاص، ص ۳۳۶. ۴. ارشاد القلوب ص ۷۲. ۵. یا بُنِیَّ شاور الکبیر ولا تستحی من مشاوره الصّغیر؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۲۷. لقمان به فرزندش می فرماید: یا بُنِیَّ اجعل فی ایتامک و لیالک و ساعاتک نصیباً فی طلب العلم فانک لن تجد تضييعاً مثل ترکه ۱ فرزندم در روزها، شب ها و لحظه هایت سهمی برای طلب دانش قرار ده زیرا هیچ از دست رفتنی همانند از دست رفتن دانش نیست. ۱. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۱۵.

### سفارش آیه الله قاضی (شهید محراب)

علامه طباطبایی می فرمود: چون به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم، گاهی به محضر آیه الله قاضی شرفیاب می شدم. روزی در مدرسه ای ایستاده بودم مرحوم قاضی از آنجا عبور میکردند. چون به من رسیدند دست خود را روی شانه من گذاردند و گفتند: ای فرزندم! دنیا می خواهی نماز شب بخوان آخرت می خواهی نماز شب بخوان. ۲. حافظ میگوید: هر گنج سعادت که خدا داده به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود فرزندم تو را سفارش میکنم به تلاوت قرآن عزیز و تفکر در معانی آن و اطاعت محض از دستورات و دوری از آن چه قرآن از آن نهی فرموده است. ۳۳. وصیت نامه علامه حلی مجله تراتنا ص ۴۲.

### سفارش امام خمینی به فرزندش

فرزندم با قرآن این کتاب بزرگ معرفت، آشنا شو و با قرائت آن راهی به سوی محبوب باز کن. تصور مکن که قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسه شیطان است این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای هر کس و نامه ای است از معشوق اگر چه

عاشق و محب مفاد آنرا نداند. ۱ نکته ای که از باب نهایت ارادت و علاقه ام به جوانان عرض میکنم، این است که در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید و هیچ گاه خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. ۲ جوانان ما توجه داشته باشند به اینکه آمریکا با سرنیزه به میدان شما نمی آید با قلم می آید با میدان شما جوانان ما گول نخورند از این تبلیغات فاسد، آمریکا این طوری تبلیغ میکند، آمریکا نظامی نمی آورد این جا، آمریکا نویسنده می آورد گوینده می آورد، آمریکا عمال خودش که سال های طولانی آن ها را تربیت کرده است می فرستد این جا که اوضاع ما را به هم بزنند. ۳ عزیزم! از جوانی به اندازه ای که باقی است استفاده کن که در پیری همه چیز از دست میرود حتی توجه به آخرت و خدای تعالی. از مکاید بزرگ شیطان و نفس اماره آن است که جوانان را وعده ۱. نامه امام خمینی (ره) خطاب به آقا سید احمد خمینی (ره)؛ کتاب هفتصد نکته نکته ۲۰۵. ۲. صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۲۴۲. ۳. جمهوری اسلامی، ش ۵۹۰۹، مورخ ۵/۸/۷۸. صلاح و اصلاح در زمان پیری می دهد تا جوانی، با غفلت از دست برود و به پیران وعده طول عمر می دهد و تا لحظه آخر با وعده های پوچ انسان را از ذکر خدا و اخلاص برای او باز می دارد تا مرگ برسد و در آن حال ایمان را اگر تا آن وقت نگرفته باشد میگیرد. پس در جوانی که قدرت بیش تر داری به مجاهدت برخیز و از غیر دوست جل و علا بگیریز و پیوند خود را هر چه بیشتر - اگر پیوند داری - محکم تر کن و خدای نخواستہ اگر پیوند نداری تحصیل کن و در تقویتش همت گمار که هیچ موجودی جز او جل و علا سزاوار پیوند نیست. فرزندم! با قرآن این کتاب معرفت آشنا شو، اگر چه با قرائت آن باشد و بدین وسیله راهی از آن به سوی محبوب باز کن و تصور نکن که قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسه ی شیطانی است. ۱ پسر! گناهان را هر چند کوچک به نظرت باشد، سبک مشمار. هر گناهی هر چه کوچک باشد انسان را به گناهان بزرگ میکشد به طوری که گناهان بسیار بزرگ در نظر انسان ناچیز می آید. ۲ من به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه ها و ذخیره های عظیم الهی و به این نخل های معطر و نوشکفته جهان اسلام سفارش میکنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید. ۳. ۱. جمهوری اسلامی، ش ۵۹۰۹ - مورخ ۵/۸/۷۸. ۲. نقطه عطف، ص ۴۲. ۳. صحیفه نور، ج ۲۰/۲۴۱.

### پیام رهبر معظم انقلاب به جوانان

فرزندان عزیزم، آن کس که بکوشد تا در تلاطم حوادث روزگار از گوهر تابناک خرد و ایمان غافل نماند، هرگز در برابر حوادث کوچک و بزرگ نخواهد لرزید و شک و تردید و وسوسه های خناسان درون و برون راه را بر وی نخواهد بست، چون کوهی استوار خواهد ماند با صلابت و امید و با دلی هوشیار و چشمانی بیدار به راه خود ادامه خواهد داد. فهم درست و آگاهی فزاینده، اخلاص و خدا جویی، ایثار و فداکاری، صبوری و ایستادگی، تلاش شما را سازنده و بالنده و ثمر آن را ماندگار خواهد نمود. ۱ بسم الله الرحمن الرحیم جوانی را برای خود سازی فکری و روحی و جسمی مغتنم بشمارید. با قرآن عزیز انس بیابید و در آن تدبر کنید نماز را با حضور قلب برگزار نمایید. ۲ بسمه تعالی آقای محمد علی علیزاده رودسری با سلام، نامه ارسالی شما به محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه ای "مدظله العالی" واصل شد. ۱. گزیده ای از پیام رهبر انقلاب به همایش سراسری اتحادیه تشکلهای دانشجویی "روزنامه جام جم ۸۱/۲/۵". ۲. گزیده ای از توصیه رهبر معظم انقلاب به فرزندش شهید سرتیپ صیاد شیرازی؛ جمهوری اسلامی، ۲۲/۱/۸۱. بدینوسیله ضمن تشکر، در اجابت درخواستتان، نصیحتی از معظم له به شرح زیر و یک حلقه انگشتر متبرک به پیوست تقدیم میگردد: جوانی را برای خود سازی علمی و فکری و روحی و جسمی قدر بدانید و نگذارید این سرمایه بی نظیر تلف شود. خود را با عبادات و قرآن مانوس کنید و برای تقویت اراده، برنامه ریزی کنید. سلامتی و توفیق روزافزون شما را از خداوند متعال مسألت میکنیم. سید علی مقدم ۱۱ شماره ۱۹۹۷۴۱/۸ مورخ ۱۸/۹/۸۰.



## سفارش شهید مطهری به فرزندش

فرزند عزیزم، نور چشم مکرم، آقای علی مطهری. از خداوند متعال سلامت و موفقیت و حسن عاقبت تو را مسئلت دارم. فرزند عزیزم، در انتخاب دوست و رفیق فوق العاده دقیق باش که مار خوش خط و خال فراوان است، همچنین در مطالعه کتابهایی که به دستت می رسد. بر اطلاعات اسلامی و انسانیت بیفزا. حتی الامکان از تلاوت روزی یک حزب قرآن که فقط پنج دقیقه طول میکشد مضایقه نکن و ثوابش را هدیه روح مبارک حضرت رسول اکرم (ص) بنما که موجب برکت عمر و موفقیت است انشاءالله. لازم به یادآوری نیست که در انجام فرائض نهایت دقت را داشته باش... والسلام علیکم ورحمة الله مرتضی مطهری ۳/۵۶/۱۹۲۰  
۲. شیخ شهید، انتشارات صدر. ۳. شیخ شهید، انتشارات صدر.

## پسرم خودت را محترم بدار

پسرکم! نفس خود را گرامی و محترم بدار، از این که به پستی دچار شود، زیرا اگر از نفس خود چیزی را باختی و از دست دادی دیگر هیچ چیز نمی تواند جای آن را پر کند و آن نفس خودت است. ۱۱. فلسفه اخلاق - مطهری ص ۱۴۶.

## پند عطار

باش دایم ای پسر با یاد حق کز خبر داری ز عدل و داد حق زنده دار از ذکر، صبح و شام را در تغافل مگذران ایام را یاد حق آمد غذا این روح را مرهم آمد این دل مجروح را یاد حق کز مونس جانت بود کی هوای کاخ و ایوانت بود کز زمانی غافل از رحمن شوی اندر آن دم همدم شیطان شوی ۲ نصیحت حافظ به جوانان نشاط روز جوانی چو گل غنیمت دان که بر رسول نبند حافظا بغیر بلاغ جوانا سر متاب از پند پیران که رأی پیر از بخت جوان به ۲. پندنامه شیخ فریدالدین عطار نیشابوری از انتشارات کتابخانه شمس.

## نصیحت سعدی به جوانان

سعدی که راه زندگی و گرم و سرد روزگار را آزموده است به جوانان نصیحت میکند که قدر و منزلت جوانی خود را بدانند و برای رشد و تعالی خود کوشا باشند. جوانا ره طاعت امروز گیر که فردا جوانی نیاید ز پیر فراغ دلت هست و نیروی تن چو میدان فراخست، گویی بزن قضا روزگاری زمن در ربود که هر روزی از وی شبی قدر بود من آن روز را قدر نشناختم بدانستم اکنون که در باختم

## پیام پیران به جوانان

فرزندان عزیز ما انکار نمیکنیم که مظاهر جوانی یعنی نیرو، نشاط، همت بلند، عزم ثابت در وجود شما جلوه گراست و دستهای فرسوده ما پیران قادر بر آنچه دستهای نیرومند شما جوانان انجام می دهد نیست. و افکار و آرزوهایی که جوانی شما را رونق بخشیده است. با سرعت و حرارت بیشتری تحقق می یابد. ولی عیب شما این است که شما جوانان به ما پیران به نظر حقارت نگاه میکنید گاه به ما نسبت جمود می دهید. و گاهی ما را خرافی می نامید. شما چنان به خودتان مغرور هستید که گمان میکنید این نیرو و نشاط که چهره های شما را شاداب کرده و جوانی شما را رونق بخشیده مخصوص شماست و پیش از شما برای دیگران نبوده است. اگر قدری به گذشته رو کنید خواهید دانست که این نیرو و نشاط مخصوص شما نیست ما هم در گذشته مانند شما در دریای

آرزوها و آمال و امیال جوانی غرق بودیم. اما چیزی نگذشت که خواب و خیالهای آن دوران سپری شد و به دوره دیگری که دوره تعقل و تفکر و تجربه است قدم نهادیم آری جوانی ویژگی‌های بسیاری دارد همچون زود قضاوت کردن، سطحی نگری و... جوان نوعاً نمی‌تواند زمان‌های سه‌گانه یعنی گذشته و حال و آینده را با هم مربوط ساخته موازنه و سنجش در میان آنها به عمل آورد بعداً نظر بدهد زیرا او شیفته زمان حاضر است. جوانان عزیز! به این چند نکته توجه فرمایید. ۱- عمده توجه ما در دوران جوانی به امور جنسی بود و برای جلب توجه زنها خواستار بی بند و باری آنها تحت عنوان مساوات و آزادی بودیم. می‌خواستیم که آنها بدون پوشش کامل در برابر نامحرمان ظاهر شوند. بعدها که ابر هوا و هوس از افق زندگی ما رخت بر بست فهمیدیم که سخت فریب خورده ایم و اینها همه خاطره‌های عالم جوانی است و در این مورد مصلحت اندیشی با خواسته‌های جوانی اشتباه شده و آزادی به این درجه بر خلاف مصالح انسانی است. ۲- ما هم مانند شما به هر نو ظهور تازه‌ای خوشحال می‌شدیم و از هر چیز کهنه‌ای اظهار تنفر می‌نمودیم. نه از جهت اینکه تازه و کهنه را سنجیده و به مزایای چیزهای نو و تازه پی برده باشیم بلکه از این نظر که جوان طبعاً تنوع طلب است. ۳- اگر یکی از ماها به زبان‌های بیگانه آشنا می‌شد به زبان و تاریخ خود به چشم حقارت نگاه میکرد. و ملیت و قومیت خود را به باد مسخره میگرفت. پس از آنکه سنی از ما گذشت و نور تجربه در افق زندگی ما درخشید فهمیدیم که تندروی کرده ایم اکنون که سرد و گرم روزگار را چشیده ایم با بد حجابی و اختلاط با مردان بیگانه سخت مخالفیم. اکنون می‌گوییم آن اندازه از مظاهر تمدن که با پیشرفت زندگی مناسب است باید گرفت و از مظاهر فساد باید دوری نمود علم و ادب غربی‌ها را دوست می‌داریم ولی هیچ‌گاه به تاریخ و ملیت و زبان خود به دیده حقارت نگاه نمی‌کنیم جوانان عزیز این پندها را از ما پیران بشنوید و آراء و افکار ما را حقیر مشمارید ما خیرخواه شما هستیم این را بدانید که اگر هرگونه با ما رفتار کنید آیندگان باشما به همان گونه رفتار خواهند کرد ۱ جوانها سعی کنند به دانسته‌های کنونی خود از اسلام اکتفا نکنند، هرچه بیشتر در صدد فهمیدن و دانستن و شناخت اسلام باشند. باید با قرآن بیشتر مأنوس شد باید مجالس و محافل اسلامی را بیشتر گرم کرد. سنت بسیار با برکت اجتماع در مساجد را باید همچنان نگاه داشت. جوانها مسجد را کلاس درس و صحنه رزم بدانند و به مساجد رو کنند. ۲. ۱. مجله مکتب اسلام، سال دوم، شماره ۷، ص ۲۵. ۲. ره توشه راهیان\*، تابستان ۱۳۸۰، ش ۳۹. از توصیه‌های رهبر معظم انقلاب به جوانان.

### از سفارشهای شهدا به جوانان

ای جوانان عزیز! سرنوشت وطن به دست شماست، بیایید لباس عزت و افتخار و شرف را بپوشیم بدانید مقاومت و ایستادگی لازمه خدایی بودن هر فرد است. ۳" شهید ابوالفضل رستگار "۳. هزار حنجره آواز، ص ۱۲۷، ج ۱. سعی کنید اعمال خیرتان را زیاد کنید و در انجام واجبات کوتاهی نکنید. نماز را در اول وقت بخوانید و از انجام محرمات دوری کنید. ۱" شهید یوسف خانی " ای جوانان عزیز نکند در رختخواب ذلت بمیرید، که امام حسین (ع) در میدان نبرد شهید شد مبادا در غفلت بمیرید که حضرت علی در محراب عبادت شهید شد. مبادا در حال بی تفاوتی بمیرید که علی اکبر حسین در راه امام حسین (علیه السلام) و با هدف شهید شد. ۲" هادی دلاور " ۱. ص ۱۹۲. ۲. ص ۱۹۲.

### پیام‌های جوانان دربند

به جوانان بگویند قبل از انجام هر کاری درباره آن با دقت فکر کنند سعی کنند مشکلات و خواسته‌هایشان را با بزرگترها و پدر و مادرشان در میان بگذارند. از افراد هم سن سالم می‌خواهم با زندگی بسازند و آینده خود را به بازی نگیرند. ۳. ۳. جام جم، چهارشنبه، ۲۴ مهر ۸۱؛ ایران، ش ۵۹۴، ۲۳/۱۱/۷۵.

## از پیامهای کرکسهای سیاه

کرکسهای سیاه جمعی از جوانان آلوده بودند که به دختران و زنان حمله میکردند و امنیت بانوان را به خطر انداخته بودند آنان به خاطر جرائم سنگینی که داشتند عاقبت در مهرماه ۸۱ اعدام شدند برخی از مسئولین تربیتی قبل از اعدام آنها ضمن گفتگو و مصاحبه با آنها خواستار پیام آنها شدند که آنان چنین گفتند. ما باختیم و همه خلافکاران بازنده اند یکی از آنها در پاسخ این سؤال که چطور شد که به این راه کشیده شدی؟ گفت وقتی ایمان آدم سست بشه، وقتی اعتقاد آدم ضعیف بشه، وقتی ارتباط آدم با خدا و ائمه کم رنگ بشه بالاخره چنین عاقبتی گریبان آدم را میگیره. توصیه من به جوانان این است که دور رفقای ناباب را خط بکشند. بخدا توکل کنند و زندگی شرافتمندانه ای داشته باشند. ۱۱. جام جم، چهارشنبه، ۱۷ مهر ۱۳۸۱.

## بخش چهارم: معیارهای زندگی

### معیار بزرگی

در عرف جامعه، بزرگی را به سن و سال و موقعیت های اجتماعی می دانند اما در فرهنگ معصومان، بزرگی به میزان بهره مندی از فضایل انسانی است و لذا پیامبر(ص) برخی از جوانانی را که دارای فضیلت و لیاقت بودند به نمایندگی خود منصوب می نمود بعد از فتح مکه (عتاب بن اسید) جوان بیست و یک ساله را به عنوان فرماندار مکه منصوب نمودند انتصاب این جوان به چنین مقام بزرگی باعث رنجش جمعی از رجال عرب و بزرگان مکه شد به طوری که زبان به اعتراض گشودند حضرت در پاسخ فرمودند. لَيْسَ الْاَكْبَرُ هُوَ الْاَفْضَلُ بَلِ الْاَفْضَلُ هُوَ الْاَكْبَرُ ۱ چنین نیست که بزرگتر برتر باشد بلکه آن کس که با فضیلت تر است او بزرگتر است. نباید هیچ کس از شما جوانی عتاب بن اسید را اساس اعتراض خود ۱. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۲۱؛ اسد الغابه، ج ۳، ص ۳۵۸. قرار دهد، زیرا ملاک فضیلت انسان بزرگی سن و سال نیست بلکه میزان کمال و لیاقت اوست آن جوان تا آخر عمر پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرماندار مکه بود و در کمال لیاقت و شایستگی انجام وظیفه کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سپاهی را برای جهاد با کفار روانه ساخت و کسی را فرمانده آنان کرد که جوان تر از همه بود برخی از سپاهیان گفتند: ای رسول خدا آیا فرماندهی ما را به کسی داده ای که از همه ی ما جوان تر است؟ پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در پاسخ به اعتراض و گلایه او فرمود: آری! سبب امتیازی است که او نسبت به بقیه دارد. او قاری قرآن است ۱ جلال الدین رومی، اعتراض جمعی از یاران رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) در فرمانده ساختن جوانی از طایفه هزیل و پاسخ آن حضرت را به شکل مبسوطی به نظم آورده است: گفت نه، نه یار رسول الله مکن سرور لشکر، مگر شیخ کهن یا رسول الله جوان، ار شیرزاد غیر مرد پیر، سر لشکر مباد پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در پاسخ معترضان فرمود. گفت پیغامبر که ای ظاهرنگر تو مبین او را جوان و بی هنر ای بسا ریش سیاه و مرد پیر ای بسا ریش سپید و دل چو قیر عقل او را آزمودم بارها کرد پیری آن جوان در کارها پیر، پیر عقل باشد ای پسر نه سپیدی موی، اندر ریش و سر ۲ ۱. تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۱، ص ۵۷؛ ترمذی ۳۳۲. ۲. مثنوی معنوی، دفتر چهارم، ابیات ۲۱۶۰ الی ۲۱۷۴. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) غیر از غزواتی که خود فرماندهی سپاه را به عهده داشت. فرماندهی بیش تر سریه ها را از میان جوانان نامی برمیگزید که گاه اعتراض پیشکسوتان و ریش سفیدان را نیز به دنبال داشت. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در سال هشتم هجرت، سریه موته را برای نبرد با رومیان فراهم آورد و دو جوان دلیر، جعفر بن ابی طالب و زید بن حارثه را فرمانده اول و دوم سپاه قرار داد. ۱ همچنین زید، از سال سوم هجرت تا پیش از جنگ موته هشت سریه را فرماندهی کرد. ۲ که این انتصاب ها را برخی یاران مورد اعتراض قرار دادند لکن پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) شایستگی و فضیلت زید را دلیل این انتصاب بر شمرد. در اقدامی دیگر پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در سال دهم هجرت در روزهای آخر زندگی خود تصمیم گرفت که

لشگری از مسلمانان برای جنگ با دولت روم که در دنیای آن روز قدرت بزرگی محسوب می شد و مانع پیشرفت اسلام بود بسیج کند، به دستور آن حضرت تمام افسران ارشد و امرای ارتش و کتیبه بزرگان مهاجر و انصار و همه شیوخ عرب و رجال با شخصیت در این لشگر عظیم اجتماع کردند. علامه مجلسی می نویسد: کسی از سران و بزرگان مهاجر و انصار باقی نماند مگر این که در میان این لشگر حضور پیدا کرد از جمله آنها ابوبکر، عمر، سعد بن ابی وقاص، سعید بن زید، ابو عبیده و قتاده بودند. ۳. فرماندهی چنین سپاه عظیمی فوق العاده مهم بود و حتماً باید لایق ترین ۱. اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۱۲. ۲. تاریخ پیامبر اسلام، ص ۲۴۱. ۳. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۴۱۰. افسران از طرف پیشوای اسلام برای این مقام برگزیده شود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اسامه را که یک جوان هیجده ساله بود ۱ فرمانده سپاه اسلام نمود این انتصاب شکوه بسیاری از یاران را در پی داشت. محور گفتگوی یاران این بود که پیامبر (ص) جوان نارس و کم سن و سالی را بر بزرگان صحابه فرمانده قرار داده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در پاسخ به اعتراض های اصحاب سخت خشمگین و ناراحت شد و به منبر رفت بعد از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم این چه سخنی است که درباره فرماندهی اسامه از بعضی از شما به من رسیده است طعنه های امروز شما تازگی ندارد اگر امروز از فرماندهی اسامه گله دارید همانا پیش تر از انتصاب پدرش در جنگ موته نیز گله داشتید لیکن این دو شایسته این مقام بوده و هستند و باید همگی از اسامه اطاعت نمایند. ۲. ۱. اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۴. ۲. طبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۴۶؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۴۱۰.

### معیارهای انتخاب دوست

جوانان در انتخاب دوست همانند هر انتخابی نیازمند معیارها و ملاکهای روشن می باشند برخی از ملاک های دوست یابی جوانان عبارتند از: الف) رازداری همان گونه که خداوند حافظ اسرار آدمی است، دوستان نیز باید از خصیصه رازداری برای یکدیگر برخوردار باشند. ب) یکرنگی دوستانی که ظاهر و باطنشان یکی است می توانند اعتماد جوانان را جلب نمایند، در حقیقت این ویژگی در افرادی تبلور می یابد که از شخصیت سالم برخوردارند و احساس حقارت نمیکنند امام علی (علیه السلام) فرمود: لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صِدِّيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ فِي نِكَبَتِهِ وَغَيْبَتِهِ وَوَفَاتِهِ ۱ دوست واقعی کسی است که در بلا و گرفتاری ها و در غیاب و پس از مرگ دوستی را ترک نکند. ج) پایداری در سختی ها از نشانه های جوانمردی این است که دوستان در پیشامدها و تنگناها یکدیگر را تنها نگذارند و چه بسا در دشواریهای زندگی بیش از شرایط عادی باید در کنار یکدیگر بایستند و مرارتها را میان خود تقسیم کنند. لقمان حکیم به فرزندش فرمود: لَا تَعْرِفْ أَخَاكَ إِلَّا عِنْدَ حَاجَتِكَ ۲ دوست خود را جز به هنگام نیازت شناسی. معیار دوستان دغل روز حاجت است قرضی برای تجربه از دوستان طلب ۳ دوست نبود آن که در نعمت زند لاف یاری و برادر خواندگی دوست آت باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی " صائب " ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۶. ۲. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۴۲۶. ۳. آئین دوستی، ص ۲۶. د) فضیلت و اخلاق از آنجا که صفات عالی دوستان به یکدیگر منتقل می شود انتخاب دوستانی که از معنویت و فضایل انسانی برخوردارند موجب بسط و تعالی شخصیت جوانان می شود. حضرت عیسی (علیه السلام) می فرماید: با کسانی دوستی نمایید که دیدن آنها شما را به یاد خدا بیندازد، گفتارشان بر علم و دانش شما بیفزاید و کردارشان شما را مشتاق آخرت نماید. ۱ دوست خوب کسی است که عیب های انسان را بگوید. امام علی (علیه السلام) فرمود: مَنْ أَبَانَ لَكَ عَيْبَكَ فَهُوَ وَدُودُكَ ۲ هر کس عیب تو را آشکار سازد دوست توست. امام علی (علیه السلام) فرمود: صَدِيقَكَ مَنْ نَهَاكَ كَسِي تُو رَا دُو سْت دَار د تُو رَا ا ز ز ش تِ هَا دُو ر مِی سَا ز د. ۳. ۱. کافی، ج ۱، ص ۳۹. ۲. غرر الحکم، ص ۴۱۵. ۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۰۲. ای پسر همنشین اگر خواهی هم نشینی طلب زخود بهتر گر تو خواهی که نیک نام شوی دور باش از بدان عزیز پسر

## به چه کسی می‌توان اعتماد کرد

برای اینکه انسان گرفتار فریب مکاران نشود نباید زود باور باشد باید در تصمیم‌گیریها در مسائل سرنوشت ساز دقت لازم را به کار برد. شخصی بنام حریر میگوید: اسماعیل فرزند امام صادق (علیه السلام) مقداری پول داشت مردی از قریش تصمیم گرفت به یمن برود اسماعیل به پدرش عرض کرد ای پدر! فلان شخص تصمیم دارد که به یمن برود و من مقداری پول دارم آیا صلاح می‌دانی که پولم را به او بدهم که از یمن برایم جنس بخرد حضرت فرمود: ای فرزندم آیا نمی‌دانی که او شراب خوار است سپس فرمود: ای فرزندم! خدا در کتابش می‌فرماید: "يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ" ۱ مؤمنین را تصدیق می‌کند. پس زمانی که مؤمنان بر چیزی شهادت دادند. آنها را تصدیق نما. ۲ از حدیث فوق استفاده می‌شود که به هر کس نباید اعتماد کرد باید میزان تعهد و امانت داری شخص را محرز نمود اگر اعتمادها بر اساس خرد باشد افراد شیاد و مکار و کلاه بردار نمی‌توانند به سادگی سرمایه یک عمر زندگی افراد را با چک‌های بی‌محل، وعده‌های دروغین، از چنگشان در آورند و آنها را از هستی ساقط کنند. ۱. توبه، آیه ۶۱. ۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۷۳.

## معیار انتقاد سازنده

انتقاد سازنده شاخصه‌هایی دارد که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود: ۱- انتقاد سازنده همیشه با بیان یکی از جنبه‌های مثبت آغاز و با جلب اطمینان موضوع اصلی مورد انتقاد طرح می‌شود. ۲- انتقاد سالم در قالب عبارات غیر مستقیم مطرح می‌شود همچون آیا بهتر نبود آیا صلاح می‌دانی.... ۳- انتقاد سازنده در خلوت و در غیاب دیگران انجام می‌شود. ۴- نباید انتقاد بیش از یک موضوع باشد. اگر از همه جهات انتقاد کردیم او را علیه خود برانگیخته ایم. ۵- برای اظهار نظر طرف مقابل باید ضمن انتقاد فرصت کافی داد. ۶- باید انتقاد با انگیزه‌ای خیر خواهانه و لحنی دوستانه انجام شود. ۷- انتقاد باید در حد ظرفیت شخص باشد. ۱. جوان و نیروی چهارم زندگی، محمدرضا شرفی، ص ۲۸.

## معیار پذیرفتن خبر

خبر یکی از راههای رسیدن به حقایق و واقعیات است به شرطی که خبر دهنده فرد فاسد و مغرض و هوسران نباشد زیرا در چنین شرایطی نمی‌توان به خبرهای او اعتماد نمود. قرآن می‌فرماید: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُم فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُكُمْ عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد درباره آن تحقیق کنید، مبدا به (خاطر زود باوری و شتابزدگی نا آگاهانه به قومی آسیب برسانید). سپس از کرده خود پشیمان شوید. در شأن نزول آیه فوق آمده است، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ولید بن عقبه ۲ را در سال نهم هجرت به سوی قبیله ی بنی مصطلق فرستاد تا از آنها زکات بستاند هنگامی که بنی مصطلق از آمدن فرستاده رسول خدا آگاه شدند به استقبال او شتافتند ولید که از بنی مصطلق کینه در دل داشت گمان برد که ایشان خیال کشتن او را دارند به زودی برگشت و گزارش داد که بنی مصطلق از دین برگشته و از دادن زکات امتناع دارند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در خشم شد و عزم سرکوبی آنها کرد این خبر به بنی مصطلق رسید آنان به خدمتتش شرفیاب شدند و عرض کردند که از غضب خدا و رسول، به خدا پناه می‌بریم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سخنشان را باور نکرد و آنها را مخاطب قرار داده فرمود: ای بنی مصطلق! اطاعت میکنید یا کسی را به سوی شما بفرستم که او را مانند خود می‌دانم با جنگ آوران شما جهاد کند و فرزندانتان را اسیر نماید آن گاه دست مبارک را به شانه علی زده او را نشان داد. ۱. ۳. حجرات، آیه ۶. ۲. ولید کسی بود که پس از فتح مکه اظهار اسلام کرد. او شراب خوار بود وقتی در حال مستی برای

اقامه جماعت آمد نماز صبح را به جای دو رکعت، چهار رکعت خواند و گفت اگر می‌خواهید بیشتر از این برای شما نماز بخوانم. تفسیر سوره حجرات، سیدرضا صدر، ص ۲۲۶، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۵۲. قرآن در آیه ای دیگر می‌فرماید: هر چه را که به آن علم نداری دنبال نکن زیرا در قیامت از چشم و دل و گوش شما باز خواست می‌شود ۱ قرآن برای کسانی که با پخش اخبار دروغ در جامعه دغدغه ایجاد میکنند، کیفری سخت معین فرموده است. ۲ امام علی (علیه السلام) فرمود: أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ إِلَّا أَرْبَعُ أَصْيَابٍ الْبَاطِلُ أَنْ تَقُولَ سَمِعْتُ وَالْحَقُّ أَنْ تَقُولَ رَأَيْتُ ۳ میان حق و باطل جز چهار انگشت فاصله نیست باطل آن است که بگویی شنیدم، حق آن است که بگویی دیدم. امام علی (علیه السلام) فرمود: وَلَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ فَكَفَى بِذَلِكَ كَذِبًا وَلَا تَرُدْ عَلَى النَّاسِ كُلِّ مَا حَدَّثُوكَ بِهِ فَكَفَى بِذَلِكَ جَهْلًا ۴ آنچه را می‌شنوی برای مردم بازگو مکن (چرا که راست و دروغ با هم مخلوط است) تو را به دروغ آلوده می‌کند، و آن چه را که مردم می‌گویند ردّ مکن که نشانه نادانی است. ما به ضرورت زندگی و به اقتضای حسّ کنجکاو، به اطلاعات و اخبار دیگران نیازمندیم. اگر افراد زیادی که بسیاری از آنان را به راستگویی ایمان و تعهد می‌شناسیم خبری به ما بدهند به طور طبیعی به خبر آنان اعتماد کرده و بدان ترتیب اثر می‌دهیم و چنین خبری را (متواتر) می‌گویند. گاهی گوینده خبر یک نفر بیشتر نیست ولی علاوه بر اینکه از خبر ۱. اسراء، ۳۶. ۲. احزاب، آیه ۶۰. ۳. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۱، ح ۱۷۵۰. ۴. نهج البلاغه، نامه ۶۹. دهنده سابقه بدی سراغ نداریم شواهد و قرائنی بر صحت آن خبر در خارج وجود دارد در چنین مواردی نیز آدمی به طور طبیعی به آن خبر ترتیب اثر می‌دهد ولی گاهی آدم بد سابقه خبری می‌دهد و شاهد و قرینه خارجی نیز بر صحیح بودن خبر وی در دست نیست در چنین مواردی عقل حکم میکند که این خبر را بدون تحقیق نپذیریم آیه شریفه نیز به همین مطلب تصریح میکند و می‌فرماید که اگر فرد فاسقی خبری به شما داد، فوری قبول نکنید مبدا ترتیب اثر دادن شما سبب شود که به کسانی که خطایی نکرده اند ضرر و زیانی وارد گردد پس تا اینجا چند حالت در خصوص خبر مشخص شد. اول: زمانی که خبر دهندگان بسیار زیاد باشند به طوری که برای ما اطمینان حاصل شود که چنین اتفاقی افتاده و گرنه این همه افراد از آن خبر نمی‌دانند. دوم: در صورتی که خبر دهندگان کم باشند ولی قرائن و شواهد آن را تایید کند و در این صورت باید خبر آنان را قبول کرد سوم: در صورتی که خبر دهنده یک نفر فاسق باشد باید در خبر وی تحقیق کرد اگر بر راست بودن خبر اطمینان حاصل شد پذیرفت و گرنه باید آن را رد کرد. چهارم: در صورتی که خبر دهنده شخص عادل و مورد اطمینان باشد چون آیه امر به تحقیق را مشروط به فاسق بودن خبر دهنده کرده است پس معلوم می‌شود که اگر گوینده خبر عادل و قابل اعتماد باشد باید خبرش را پذیرفت اگرچه قرینه ای هم بر صحت آن در دست نباشد زیرا همین که او فردی مؤمن و راستگو و متعهد است برای پذیرفتن خبرش کافی است. ابراهیم بن ابی محمود میگوید: روزی خدمت امام رضا (علیه السلام) رسیدم و عرض کردم: یابن رسول الله اخباری از فضایل شما نقل می‌شود که دشمنان آنها را روایت میکنند و ما نظیر آنها را از شما نشنیده‌ام آیا شما این اخبار را قبول دارید؟ و تایید میکنید؟ امام (علیه السلام) فرمود: بدان که مخالفان ما غلو کرده و نسبت های ناروا به ما می‌دهند. باید خبر درست را از دانای پرهیزکار گرفت، نه از دشمن دانا و نه از دوست نادان. ۱ امام صادق (علیه السلام) بر کسی که خبرهای دروغی را به امام باقر (علیه السلام) نسبت می‌داد لعنت کردند. و فرمود: هر چه از ما شنیدید، اگر شاهی از قرآن یا سایر سخنان ما بر آن پیدا کردید. بپذیرید و گرنه نپذیرید. ۲. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۲۸. ۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۵۰.

### معیار خواسته‌ها

امام صادق (علیه السلام) از جابر سئوال کرد، چگونه صبح کردی؟ جابر عرض کرد. صبح کردم در حالی که پیری را از جوانی و بیماری و مرگ را از زندگی بیشتر دوست دارم حضرت فرمود، اما من چنین هستم که اگر خداوند مرا جوان قرار دهد جوانی را دوست دارم و اگر مرا پیر کند، پیری را دوست دارم و اگر بیمارم کند بیماری را دوست دارم و اگر شفایم دهد شفا و سلامتی را



دوست دارم و اگر مرا بمیراند مرگ را و اگر عمرم دهد، ماندن را دوست دارم. یکی درد و یکی درمان پسندد یکی وصل و یکی هجران پسندد من از درمان و درد و وصل هجران پسندم آنچه را جانان پسندد " با با ظاهر " طلبه جوانی میگفت سوار تاکسی شدم راننده که از ظاهر من پی برده بود که فردی مذهبی هستم گفت با موسیقی چطوری گفتم خوشم می آید گفت روشن کنم گفتم نه. گفت مگر نگفتی خوشم می آید گفتم چرا ولی خدایم آنرا مناسب نمی داند. مهم آن است که آنچه انسان دوست دارد به خاطر خدا کنار بگذارد نه آنچه را که دوست ندارد.

### معیار خودی و غیر خودی

شکی نیست که هر ملتی دوست و دشمن دارد و برای شناخت آنها نیاز به معیار و ملاک دارد رهبر معظم انقلاب آیه الله خامنه ای فرمودند: خودی کسی است که دلش برای اسلام، انقلاب و امام می تپد و مردم را واقعاً محترم می شمارد. غیر خودی کسی است که دستورش را از بیگانه میگیرد. دلش برای بیگانه و برای برگشتن آمریکا می تپد. ۱. بیگانه برای او کف می زند و از او حمایت میکند. ۱. روزنامه رسالت، مورخ ۹/۵/۷۸.

### معیار زشتی کارها

انسان به خاطر حب نفس کمتر متوجه زشتی کارهای خود می شود امام علی (علیه السلام) فرمود: *وَ اخذَ كُلَّ عَمَلٍ يُعْمَلُ بِهِ فِي السَّرِّ، وَ يُسْتَحَى مِنْهُ فِي الْعَلَانِيَةِ، وَ اخذَ كُلَّ عَمَلٍ إِذَا سُئِلَ عَنْهُ صَاحِبُهُ أَنْكَرَهُ أَوْ اعْتَدَرَ مِنْهُ ۱.* از کارهایی که در نهمان انجام می شود، در آشکار شرم آور است بپرهیز و نیز از کاری که اگر از انجام دهنده اش درباره آن پرسید یا انجام آن را انکار می کند، یا به خاطر آن پوزش می طلبد دوری کن. مثل کسی که ارتباط نامشروع یا عمل نامشروع خود را پنهان می دارد یا جوانی نمی خواهد نامه عاشقانه او یا مکالمات تلفنی اش را کسی بداند یا مجرمینی که از مصاحبه و گزارش، سرباز می زنند و یا فرد متدینی که نمازش را دور از چشم دیگران در آخر وقت می خواند و نمی خواهد کسی بفهمد... . از حدیث فوق چند معیار برای بدی عمل استفاده می شود ۱- انسان از انجام علنی آن عمل شرم دارد. ۲- اگر از عمل بد او سؤال کنند انکار کند. ۳- عمل خود را توجیه کند. ۱. نهج البلاغه، نامه ۶۹.

### راههای شناخت افراد

برای شناخت ماهیت افراد راههای وجود دارد بعضی از آنها عبارتند از: ۱- توجه به اعمال ناخود آگاه افراد بسیار می شود که انسان فریب ظاهر افراد و ادعاهای دروغین آنها را می خورد غافل از این که فقط ظاهر است. انسان در حالت های خود آگاه غالباً با استفاده از انواع روشها و تدابیر با فریب و نیرنگ بر مقاصد سوء خود سرپوش میگذارد و عیب های خود را از انظار دیگران مخفی میکند تا در نظر آنها متهم به نقص و عیب نباشد این عیب پوشی تا زمانی ادامه دارد که عقل و شعور انسان کاملاً مراقب اوضاع بوده و شخص، حالت خود آگاه دارد اما وقتی حواسش پرت می شود ناخود آگاه باطنش آشکار می شود. ۱ همچون منافقین و گروههای الحادی که سعی میکنند همواره ماهیت خود را پنهان نمایند. اما گاهی ناخود آگاه برخی از اهداف شوم خود را به زبان می آورند. اصولاً ممکن نیست انسان چیزی را در دل داشته باشد و بتواند برای مدت طولانی آن را مکتوم دارد که حتی در کنایات و اشارات و لحن کلام او ظاهر نشود. لذا در حدیثی از امام علی (علیه السلام) نقل شده است. *مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْعاً إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ، وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ ۲.* هیچ کس چیزی را در دل پنهان نمی دارد مگر آن که در سخنان ناخود آگاه او صفحه صورتش آشکار می شود. قرآن در زمینه دوستی با کفار می فرماید: ای اهل ایمان از غیرهم دینان خود دوست صمیمی، هم راز نگیرید چه آن که

آنها که به غیر دین اسلام اند از خلل و فساد در کار شما ذره ای کوتاهی نمی کنند دوست دارند شما در رنج بیافتید خشم و کینه از زبانشان آشکار می شود و آنچه در دل پنهان می دارند بیش ۱. اخلاق اسلامی، محمدعلی سادات، ص ۱۶۶. ۲. نهج البلاغه، قصار ۲۶. از آن است که بر زبانشان آشکار می شود. ۱ و درباره منافقین می فرماید: آیا آنان که در دل مرض (نفاق) دارند. فکر می کنند خداوند کینه درونی آنها را بر اهل ایمان آشکار نمی سازد. اگر ما می خواستیم حقیقت را بر تو آشکار می ساختیم تا به باطن آنها از سیمای ظاهرشان پی برده هر آینه آنها را در لحن گفتارشان می شناختی. ۱۲. ۱. یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطنانهم من دونکم لا یألوکم خیالاً ودوا ما عنکم قد یدت البقضاء من افواههم وما تخفی صیورهم اکبر قد بینا لکم الآیات ان کنتم تعقلون، آل عمران، ۱۱۸. ۲. أم حسب الذین فی قلوبهم مرض أن لن یرج الله اضعانهم - ولو نشاء لآریناکهم فلعرفتهم بسیمائهم و لتعرفنهم فی لحن القول والله یعلم اعمالکم، محمد(ص) آیات ۲۹ و ۳۰. ۲- توجه به سخنان افراد یکی از بهترین راههای شناخت افراد زبان است امام علی (علیه السلام) فرمود: اللسان میزان الانسان ۳ زبان میزان انسان است. اللسان معیار اطاشه الجهل و أرجحه العقل. زبان معیار نقص عقل و کمال عقل است. ۴ امام علی (علیه السلام) فرمود: تکلموا تعرفوا، فإن المرء مخبوء تحت لسانه. سخن بگویند تا شناخته شوید زیرا انسان زیر زبانش پنهان است. تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد ۳. غررالحکم، ص ۲۰۹. ۴. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۴۵. ۵. نهج البلاغه، قصار ۳۹۲. و نیز فرمود: المرء یوزن بقوله و یقوم بفعله فقل ما تریح زنته و افعل ما تجل قیمته ۱ آدمی بر گفتارش سنجیده می شود و بر رفتارش ارزیابی می گردد چیزی بگو که کفه سخت سنگین شود و کاری کن که قیمت رفتارت بالا رود. با سخن گفتن می توان میزان پابندی به مسائل اخلاقی و ادب شخص را فهمید با سخن گفتن می توان میزان علم و آگاهی شخص را بدست آورد. ۳- توجه به اطرافیان او علی (علیه السلام) فرمود: هرگاه وضع کسی بر شما مشتبه شد، دین و آیین او را نشناختید، به دوستانش نظر کنید. اگر اهل دین خدا باشند او نیز پیرو آیین خداست، و اگر بر آیین خدا نباشند، او نیز بهره ای از آیین حق ندارد. ۲ حضرت سلیمان (علیه السلام) فرمود: لما تحکموا علی رجل بشیء حتی تنظروا إلی من یصیح فإینما یعرف الرجل بأشکالیه و أقرانه ۳ ۱. غررالحکم، ص ۲۰۹. ۲. من اشتبه علیکم أمره و لم تعرفوا دینه فانظروا إلی خلطائه فإن كانوا أهل دین الله فهو علی دین الله و إن لم یکنوا علی دین الله فلما حظ له فی دین الله؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۶۵. ۳. مستدرک اللوصال، ج ۸، ص ۳۲۷. درباره کسی به نیکی یا بدی قضاوت نکنید تا اطرافیان و نزدیکانش را ببینید، چرا که انسان از نزدیکان خود شناخته می شود. ۴- شرایط استثنایی یکی از راههای شناخت افراد حوادث روزگار است امام علی (علیه السلام) فرمود: فی تقلب الأحوال علم جواهر الرجال ۱ در گردش و حوادث روزگار گوهر انسانها شناخت می شود. امام علی (علیه السلام) فرمود: عند زوال القدره یبین الصدیق من العدو هنگام از بین رفتن قدرت، دوست از دشمن شناخته می شود. ۱ ۲. نهج البلاغه، قصار ۲۱۷. ۲. غررالحکم، حدیث ۶۲۱۴.

### معیار رفتارها

حضرت علی (علیه السلام) برای رفتارهای اجتماعی معیاری را معرفی نموده و می فرماید: "پسرم خویشتنت را میزان ارتباط خود با دیگران قرار بده، پس برای دیگران همان را دوست داشته باش که برای خود دوست می داری و برای دیگران میسند آن چه را که برای خود نمی پسندی ۳" در یک کفه ترازوی نفست، خودت را بگذار و در کفه دیگر، دیگران را اگر دو کفه مساوی شد، روش علی را عمل کرده ای و سفارش ۳. یا بنی اجعل تفسک میزانا فیما بینک و بین غیرک، فأحب لغيرک ما تحب لنفسک، واکره له ما تکره لها؛ نهج البلاغه، نامه ۳۱. او را به انجام رسانده ای و اگر کفه ی "من" سنگین تر بود در روابط اجتماعی ات با مشکل مواجهی! اگر دوست داری به تو احترام کنند، دیگران را احترام کن، اگر دوست داری راز تو را حفظ کنند راز دیگران را حفظ کن، اگر دوست داری عیب تو را ببوشانند، عیب دیگران را ندیده بگیر و "..." بر دیگران میسند آن چه را برای خود نمی پسندی، "آن چه برای خودت نمی خواهی برای دیگران نخواه. تو دوست نداری آبرویت را بریزند، آبروی دیگران را مریز، ناراحت می



شوی از تو سخن بگویند، غیبت دیگران را مکن، از دروغ شنیدن آشفته میشوی به دیگران دروغ نگو... معیار علی (علیه السلام) هرگز پیچیده و سخت نیست اما همت می خواهد. کدام یک از ما از این که در هنگام خرید جنسی، کلاه سرش بگذارند، خوشش می آید، پس چرا در مقام یک فروشنده که قرار بگیریم، عیب جنس را مخفی میکنیم، قیمت واقعی را ابراز نمیکنیم و از این که کلاهی هر چه گشادتر سر مشتری بگذاریم، خوشنودیم؟ کدام یک از ما دوست داریم در هنگام مراجعه به اداره ای، کارمان بی جهت طولانی شود و از اتاقی به اتاق دیگر سوق داده شویم، پس چرا هنگامی که جامه کارمندی می پوشیم، ارباب رجوع را ساعت ها و روزها و هفته ها گرفتار و خسته میکنیم. کدام یک از ما، اگر کارفرما باشیم، دوست داریم کارمندان ما بی قید و بی نظم باشند. پس چرا هنگام کار از وجدان کاری بدور هستیم در زمان و کیفیت کار دقت کافی نداریم. معیار علی (علیه السلام) ساده اما دقیق و سخت است. خودمان را میزان روابط با دیگران قرار دهیم تا جامعه مان الگوی جوامع بشری باشد... و در جملات دیگر می فرماید: "ظلم نکن چنان چه دوست داری به تو ظلم نشود، نیکی کن چنان که دوست داری با تو نیکی کنند و آن چه را برای دیگران زشت می دانی بر خود زشت شمار و راضی شو از دیگران به اندازه ای که برای خود رضایت می دهی" ۱ به دیگران سخت نگیر، آنان را تحت فشار مگذار چنان چه خود دوست داری با تو به سختی برخورد نکنند. روابطت را بر اساس نیکی به دیگران پایه گذاری کن چنان چه دوست می داری دیگران با تو به نیکی برخورد کنند و کارهایی را که دیگران انجام می دهند و تو میگویی: زشت است، خوب نیست، غیر قابل تحمل است، بدان وقتی که تو هم آن رفتار را داشته باشی، باز هم زشت است و غیر قابل قبول. ببینید با عمل به این معیار ساده و آسان، چگونه روابط و قواعد اجتماعی عوض شده و زندگی جمعی جامعه دچار دگرگونی خواهد گردید. امروز در جامعه ما توجیهی برای همه این ناهنجاری ها هست که اغلب از زبان این و آن شنیده می شود و آن این که: دیگران هم چنین میکنند!!! - چرا کم کاری میکنی؟ - آقا همه میکنند!! - چراگران فروشی میکنی؟ - آقا کی گران فروشی نمی کند؟! ۱، وَلَمَّا تَطَلَّمْ كَمَا لَمَّا تُحِبُّ أَنْ تُظَلَّمْ، وَأَحْسَنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحَسَّنَ إِلَيْكَ، وَأَسْتَقْبِحَ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ، وَارْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ، وَلَمَّا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ وَإِنْ قَلَّ مَا تَعْلَمُ. همان مدرک. - زیر و روی جنست فرق میکنند؟ - چون همه این کار را میکنند و... این عذر بدتر از گناه است. آیا واقعاً چنین جوابی قابل قبول و چنین توجیهی پذیرفته است؟ اگر با ما چنین رفتاری بشود، توجیه "همه میکنند" را قبول میکنیم؟!

## رضایت مردم یا خدا؟

بسیارند کسانی که در دو راهی های زندگی، خشنودی مردم را بر خشم خدا مقدم می دارند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: لَا تُسَخِّطُوا اللَّهَ بِرِضَا أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ وَلَا تَقْرَبُوا إِلَيَّ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ بِنَبَا عِدِّ مِنْ اللَّهِ ۱ خداوند را به غضب در نیاورید به خاطر رضایت و خشنودی احدی از مردم و نزدیک نشوید به مردم به وسیله دوری از خدا. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مَنْ طَلَبَ رِضَا مَخْلُوقٍ بِيَسَخَطِ الْخَالِقِ سَلَطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ ذَلِكَ ۲ هر کس رضایت مخلوقی را به سخط باری تعالی طلب نماید خداوند آن مخلوق را بروی چیره خواهد کرد. بهترین مثالی که برای حدیث فوق در نظر گرفت حمایت امیر کویت از دیکتاتور بغداد (صدام حسین) و حمله لشکر صدام به کویت و نیز حمایت صدام از آمریکا و حمله آمریکا به عراق و سرنگون کردن صدام است. ۱. کافی، ج ۸، ص ۸۱. ۲. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۸.

## معیار شناخت حق و باطل

در این که هر انسانی تابع حق باشد تردیدی نیست اما در پاره ای از مواقع جامعه بر اثر حوادث و رویدادها دچار اختلاف شدید میگردد و حق و باطل آن چنان به هم می آمیزد که شناخت حق و باطل مشکل می شود و مردم در گزینش خط مشی خود دچار

حیرت میگردند ممکن است کسانی تصور کنند در این قبیل مواقع راهی را که اکثریت در پیش گرفته و می پیماید، صحیح و بر حق است و باید به آنان پیوست، بعضی ممکن است تحت تأثیر افرادی قرار گیرند که بین مردم قدر و منزلتی دارند و گمان کنند پیروی از افراد نامی و مشهور، راه نیل به حق و عدالت و مایه وصول به رستگاری و سعادت است، اما باید این مطلب روشن باشد که هیچ یک از این دو راه معیار وصول حق و رهایی از باطل نیست در چنین مواردی برای شناخت حق راه هایی وجود دارد؛ ۱- عقل و وجدان خود را به دور از تعصب، هوی و هوس، دوستی و دشمنی ها به کار گیرد، آزاد تعقل کند، فقط در جستجوی حق باشد و در این راه از خداوند استمداد نماید تا از هدایت الهی بهره مند گردد. ۲- دومین راه برای شناخت اهل حق و باطل شناخت حق و باطل است. جمعی از دوستداران امام علی (علیه السلام) بر اثر گشته شدن بعضی از افراد ۱. سوره ۲۹، آیه ۶۹؛ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا نامی که در اسلام سوابق خوبی داشتند و در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به جهاد برخاسته بودند سخت حیرت زده شدند یکی از آنها به علی (علیه السلام) عرض کرد به نظر من طلحه و زبیر و... بر حق هستند. یکی دیگر از آنها به حضرت عرض کرد پدر و مادرم فدایت، چه خوب بود اگر واقع را بر ما عیان می نمودی، شک و تردید را از دلهای می زدودی و از حقیقت امر آگاهمان می ساختی و... حضرت به تمام پرسش کنندگان یک پاسخ می داد با مختصر تفاوت در عبارت و آن پاسخ این بود. إِنَّ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ لَا يَعْرفَانِ النَّاسِ، وَلَكِنْ عَرَفَ الْحَقُّ بِاتِّبَاعِ مَنْ اتَّبَعَهُ، وَالْبَاطِلُ بِاجْتِنَابِ مَنْ اجْتَنَبَهُ ۲ حق و باطل با منزلت رجال شناخته نمی شود و لکن حق را بشناس با پیروی کنندگان آن و باطل را بشناس با دوری گزیدن کسی که از آن دور میکند یعنی طلحه و زبیر به عنوان این که در اسلام سابقه و قدر و منزلتی داشتند میزان شناخت حق و باطل نیستند بلکه باید حق و باطل را بشناسیم سپس طلحه و زبیر را بر اساس آن بشناسیم تا معلوم شود آنها بر حقتند یا بر باطل. ۳-۳- مراجعه به علما و بزرگان دین و مراجع تقلید و توجه به جهتگیریهای آنها هر چند که آنها نیز ممکن است اشتباه کنند اما اشتباه آنان به مراتب کمتر از دیگران است چون آنان کارشناسان و متخصصان دین هستند و امروزه کم نیستند کسانی که تلاش میکنند ارتباط مردم را با علما و مراجع تقلید کم کنند تا به راحتی بتوانند افکار الحادی خود را به مردم القاء کنند. ۱. امالی شیخطوسی، ج ۱، ص ۱۳۴. ۲. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۷۳. ۳. گفتار فلسفی، شرح مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۷۶.

## معیار شغل

مسئله انتخاب شغل و بدست آوردن کار، یکی از مهم ترین مسائل نسل جوان است کسی که می خواهد با عزت و آبرومندی امرار معاش نماید باید خود عضو متعهد جامعه باشد و در حدود لیاقت و شایستگی کاری را به عهده بگیرد. فرو مایه گانی که از قبول مسئولیت و انجام کار شانه خالی میکنند و در زندگی سربار مردم اند منفور جوامع بشری هستند. در سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است که پیامبر (ص) وقتی با مردی برخورد میکرد که نیرو و قوتش مایه شگفتی آن حضرت می شد، سؤال میکرد آیا حرفه ای دارد و به کاری مشغول است؟ اگر جواب منفی بود، می فرمود: از چشم من افتاد. ۱. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ان الله يُغضُّ العبدَ النَّوَامَ الفَارِغَ؛ ۲ خداوند بنده پر خواب بی کار را دشمن می دارد. ۳. جوانی که کار و شایستگی است که خودپسندی و پندار نیست چو بفروختی از که خواهی خرید متاع جوانی به بازار نیست ۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۶؛ جوان فلسفی، ج ۱، ص ۳۶۱. ۲. کافی، ج ۵، ص ۸۴. ز بازوی خود، خواه برگ و نوا تو را برگ و توشی در انبار نیست در انتخاب شغل دو معیار در بین مردم در نظر گرفته می شود میزان در آمد، و اقبال مردم گرچه این دو معیار جایگاه خود را دارد. در فرهنگ اسلامی معیارهای دیگری نیز برای شغل مطرح است. الف: شایسته بودن پیامبر (ص) فرمود: حق فرزند بر پدر این است که نام خوبی برای او انتخاب کند و نیکو تربیتش کند و او را به کار شایسته ای بگمارد ۱. ب: مشروع بودن کار تشویق اولیای گرامی اسلام به کار و کوشش تنها ناظر به شغل های مشروع و کارهای مفیدی است که خیر و صلاح جامعه در آن هاست و گر نه کارهایی که به

جسم و جان مردم و به عفت عمومی آسیب می‌رساند، و متنافی با شرافت و عزت است هرگز نمی‌تواند باعث افتخار و سربلندی گردد. کسی که از راه رشوه، ربا، قمار و شراب ارتزاق میکند هرگز شرافت بدست نمی‌آورد. خلاصه آن که، شغل هرفردی، ضمن منبع درآمد مالی، سارنده شخصیت اجتماعی و صفات اخلاقی اوست و لذا در انتخاب شغل مناسب باید دقت نمود. ۱. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۸؛ جوان فلسفی، ج ۱، ص ۳۶۲. ج: کاو بر اساس قابلیت و استعداد با توجه به این مطلب که ساختمان طبیعی و استعدادهای فطری افراد بشر در حسن انجام کارها متفاوت است، اولین مطلبی که در انتخاب شغل باید مورد توجه جوانان قرار گیرد. این است که قابلیت فطری خود را تا جایی که ممکن است بشناسند و تشخیص دهند که برای چه کارهایی صلاحیت و شایستگی دارند. خداوند در هرانسانی استعدادهای بسیاری آفریده است اما به دلیل شرایط مختلف همچون شرایط جسمی، محیطی، خانوادگی، گویی رسیدن بعضی از آن‌ها در برخی از افراد بارزتر و آماده‌تر است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: *إِعْمَلُوا فَكُلَّ مَيْسَرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ* ۱ همه شما کار کنید، کوشش نمایید ولی متوجه باشید که هرکس برای کاری که آفریده شده لایق‌تر است، آن را به سهولت، آسانی انجام می‌دهد. د: شوق و علاقه به کار مسئله شوق و علاقه به کار نیز مانند شایستگی و صلاحیت طبیعی از ارکان موفقیت و پیروزی است. باید شغلی را انتخاب نمود که بدان عشق و علاقه وجود دارد، جوانی که از نظر طبیعی برای انجام کاری شایستگی دارد ولی شخصاً نسبت به آن کار دل‌سرد و بی‌میل است اگر وارد آن کار شود موفقیت درخشانی نصیبش نخواهد شد و در آن راه به پیشرفت قابل ۱. بحارالانوار، ج ۵ ص ۱۵۷. ملاحظه ای موفق نمی‌گردد بنابراین باید به دنبال شغلی باشد که بدان علاقه دارد. ۱. ه: مفید بودن کار باید شغلی را انتخاب نمود که برای فرد و جامعه مفید باشد. ۱. گفتار فلسفی جوان، ج ۱، ص ۳۷۶.

### معیار شخصیت انسان

بدون شک هر انسانی فطراً خواهان این است که موجود با ارزش و پرافتخاری باشد، به همین دلیل با تمام وجودش برای کسب ارزشها تلاش میکند. ولی شناخت معیار ارزش با تفاوت فرهنگ‌ها کاملاً متفاوت است و گاه ارزش‌های کاذب جای ارزشهای راستین را می‌گیرد. گروهی ارزش واقعی خویش را به داشتن مال و ثروت و داشتن خانه‌های مجلل می‌دانند و گروهی دیگر ارزش خود را در داشتن مقامات بلند اجتماعی و سیاسی می‌دانند، و گروهی ارزش خود را به نژاد و خون و زبان، شهری بودن می‌دانند اما از آنجا که این امور، اموری است متزلزل، برون ذاتی، مادی و زودگذر، یک آئین آسمانی همچون اسلام، هرگز نمی‌تواند با آن موافقت کند. قرآن ارزش واقعی انسان را در صفاتی چون تقوا و پرهیزگاری و تعهد و پاکی می‌داند و می‌فرماید: *إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيكُمْ* ۲ گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. ۲. حجرات، آیه ۱۳. جالب این که در شأن نزول آیه فوق آمده است بعد از فتح مکه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد اذان بگویند. بلال بر پشت بام کعبه رفت و اذان گفت، حارث بن هشام گفت: آیا رسول خدا غیر از این کلاغ سیاه! کسی را برای اذان گفتن پیدا نکرد؟! آیه فوق نازل شد و معیار ارزش واقعی را بیان کرد. آری تقوای الهی و احساس مسئولیت درونی و ایستادگی در برابر شهوات، و پایبند بودن به راستی و پاکی تنها معیار ارزش انسان است.

### میزان خوبی و شایستگی

در نظر اولیای گرامی اسلام، میزان خوبی و شایستگی مردم تنها درست کاری و صحت عمل نیست، بلکه اخلاق خوب و اعمال پسندیده آنان با توجه به درجه عقل، کیفیت اندیشه و فکرشان است درستکاران با ارزش، کسانی هستند. که با داشتن عقل کافی صحت عمل را اختیار کرده و به نادرستی و گناهکاری پشت پا زده‌اند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: *إِذَا بَلَغَ كُمْ عَن*

رَجُلٍ حُسْنُ حَالٍ فَانظُرُوا فِي حُسْنِ عَقْلِهِ فَإِنَّمَا يُجَازَى بِعَقْلِهِ ۱ اگر از مردی حرکت خوبی سر زد توجه نمایید به خوبی عقل او زیرا انسان به میزان عقل اش جزا داده می شود. ۱. کافی، ج ۱، ص ۱۲.

### توجه به گفتار یا گوینده

بسیارند کسانی که ارزش سخن را به شخصیت سخن گو می دانند در حالی که معیار ارزش، خود سخن است نه گوینده آن. امام علی (علیه السلام) فرمود: انظر الی ما قال ولا تنظر الی من قال ۱ نگاه کن که چه می گوید، نگاه نکن که چه کسی سخن می گوید. ۱. غررالحکم، ص ۵۸.

### معیار قهرمانی

قهرمانی یک ارزش در جهان محسوب می شود و هر ملتی معیاری برای قهرمانی دارد برخی به پرورش اندام، برخی به وزنه برداری و برخی به سایر رشته های ورزشی. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دید عده ای وزنه برداری می کنند فرمود: آیا می خواهید بگویم قهرمان کیست؟ عرض کردند: بلی حضرت فرمود: أَشَجَّعُ النَّاسَ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ؛ شجاع ترین مردم کسی است که بر هوای نفس خود چیره شود. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصَّيْرَعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ ۲ نیرومند به کشتی گرفتن نیست. نیرومند کسی است که هنگام خشم خویشتن دار باشد. ۲. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۲۲. فرد خشمگین همچون کشتی طوفان زده است و مهار آن بسیار مشکل است در چنین شرایطی بسیاری از رفتارهای منفی ممکن است روی دهد همچون درگیری، فحش، تخریب و.... و به راستی کسی که بتواند خشم خود را مهار کند قهرمان است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مدینه از محلی عبور میکرد گروهی از جوانان مشغول زور آزمایی بودند به این ترتیب که سنگ بزرگی را بلند میکردند (مثل اینهایی که هالتر بر می دارند) تا ببینند چه کسی بهتر می تواند آن را بلند کند. تا جوانان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را دیدند گفتند: یا رسول الله شما اینجا بایستید و میان ما داوری کنید که کدام یک از ما بهتر وزنه را بلند میکنیم. پیامبر (ص) قبول کرد. آنها مشغول شدند، آخر کار پیامبر (ص) فرمودند: می خواهید بگویم از همه شما قوی تر و نیرومندتر کیست؟ گفتند: بلی یا رسول الله! حضرت فرمود: از همه قوی تر و نیرومندتر کسی است که وقتی به خشم می آید، خشم بر او غلبه نکند بلکه او بر خشمش غلبه کند و خشم او را در راهی که رضای خدا نیست نیندازد. بر خشم خودش مسلط شود. و آن گاه که از چیزی خوشش می آید، آن خوش آمدن، او را به غیر رضای خدا نیندازد و بتواند بر رضای خودش، بر میل و رغبت خودش مسلط شود. ۱. سعدی می گوید: صاحبدلی پهلوانی را دید که در وزنه و توان جسمی بی نظیر بود. ولی از نظر روحی عاجز شخصی به او ناسزا گفته بود، او ۱. گفتارهای معنوی، ص ۲۳۳، استاد مطهری. چنان خشمگین شده بود که کف از دهانش خارج می شد و به خود می پیچید. صاحبدلی از شخصی پرسید چرا این پهلوان این گونه بی تاب شده است؟ او در پاسخ گفت: به خاطر این که کسی به او دشنام داده است. صاحبدل گفت: این فرومایه هزار من سنگ را بر می دارد و طاقت بار یک سخن ندارد. ۱ لاف سر پندگی و دعوی مردی بگذار عاجز نفس، فرومایه، چه مردی چه زنی گرت از دست بر آید دهنی شیرین کن مردی آن نیست که مشتی بزنی بر دهنی حضرت علی (علیه السلام) قهرمانی بود که در دو جبهه از همه قوی تر بود یکی جبهه بیرونی، در میدان های نبرد که هر پهلوانی را به خاک می افکند و از آن مهم تر جبهه درونی بود که بر خودش، مسلط بود. اراده اش بر هر میلی بر هر شهوتی و بر هر اندیشه ای حاکم بود. ۱. گلستان سعدی، باب ۲، در اخلاق درویشان.

### معیارهای موسیقی حرام

رهبر معظم انقلاب طی دیداری که با جوانان در دهه فجر سال ۷۷ داشتند ضمن پاسخ به سؤالات گوناگون آنها معیارهایی برای موسیقی حرام به شرح زیر بیان فرمودند: الف: نیل به بیکارگی، ابتذال، بی حالی و واخوردگی موسیقی اگر انسان را به بیکارگی و ابتذال و بی حالی و واخوردگی از واقعیت‌های زندگی و امثال اینها بکشاند، این موسیقی موسیقی حرام است. ب: غافل کننده از معنویت، خدا، ذکر موسیقی اگر چنانچه انسان را از معنویت، از خدا و از ذکر غافل کند، این موسیقی حرام است. ج: تحریک و تشویق به گناه و شهوترانی موسیقی اگر انسان را به گناه و شهوترانی تشویق کند، این موسیقی حرام است؟ اگر موسیقی این خصوصیات مضر و موجب حرمت را نداشته باشد، البته آن وقت حرام نیست. اینهایی را که من گفتم، بعضی از آنها در موسیقی بیکلام و در سازهاست؛ بعضی هم حتی در کلمات است، یعنی ممکن است فرضاً یک موسیقی ساده بی ضرری را اجرا کنند، لیکن شعری که در این موسیقی خوانده می شود، شعرگمراه کننده‌ی باشد؛ شعر تشویق کننده‌ی بی بند و باری، به ولنگاری، به شهوترانی، به غفلت و این طور چیزها باشد؛ آن وقت حرام می شود، بنابراین، آن چیزی که شاخص حرمت و حلیت در موسیقی است موسیقی لهوی یعنی دور شدن از ذکر خدا، دور شدن از معنویت؛ دور شدن از واقعیت‌های زندگی؛ دو! شدن از کار و تلاش و فرو غلتیدن در ابتذال و بی بند و باری.

### موسیقی سنتی و غیر سنتی

من نمی توانم بطور مطلق بگویم که موسیقی اصیل ایرانی، موسیقی حلال است؛ نه؛ این طور نیست. بعضی خیال می کنند که مرز موسیقی حلال و حرام. موسیقی سنتی ایرانی و موسیقی غیر سنتی است؛ نه، این طوری نیست. آن موسیقی بی که منادیان دین و شرع همیشه در دوره های گذشته با آن مقابله میکردند و می گفتند حرام است؛ همان موسیقی سنتی ایرانی خودمان است که به شکل حرامی در دربارهای سلاطین، در نزد افراد بی بند و بار، در نزد افرادی که به شهوات تمایل داشتند و خوض در شهوات میکردند، اجرا می شده؛ این همان موسیقی حرام است. بنابراین، مرز موسیقی حرام و حلال، عبارت از ایرانی بودند، سنتی بودن، قدیمی بودن کلاسیک بودن، غربی بودن یا شرقی بودن نیست؛ "مرز" آن چیزی است که من عرض کردم. این ملاک را می شود به دست شما بدهیم، اما این که آیا این نوار جزو کدامهاست، این را من نمی توانم مشخص کنم. البته الان دستگانهایی هستند که دارند ممیزی میکنند؛ اما من خیلی هم اطمینان ندارم که این ممیزیها صد در صد درست باشد. گاهی می آیند به ما میگویند که یک نوار بسیار بد یا مبتذلی را دارند به صورت مجاز پخش میکنند؛ گاهی هم ممکن است عکس این اتفاق بیفتد. من الان نمی دانم واقعاً این ممیزیها چقدر از روی واقع بینی و ضابطه مندی انجام میگیرد؛ اما آن چیزی که من می توانم به شما به عنوان یک جوان خوب و به عنوان کسی که مثل فرزندان خودم هستید. به عنوان نصیحت و نظر خودم بگویم، این است که عرض کردم.

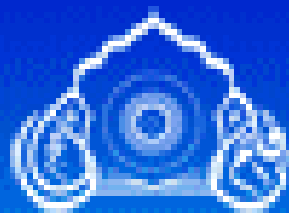
### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ

وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه



کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتمّاً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

